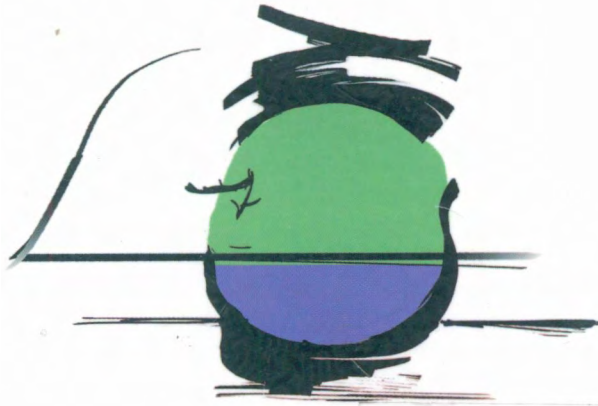


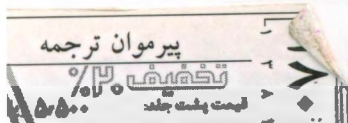
# پیرامون ترجمه

(مجموعه مقالات)

دکتر خسرو فرشیدورد - مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی



گزیده مقالات مجله فرهنگ و زندگی  
(۱۳۴۸ - ۱۳۵۶)



# On Translating

## A Collection of Articles

پیرامون ترجمه مجموعه‌ای است شامل دو مقاله مفصل در باب ترجمه که در سال ۱۳۵۵ در مجله فرهنگ و زندگی به چاپ رسیده‌اند. در این مقالات، تأثیر ترجمه و گرایش‌های مختلف آن بر زبان فارسی، ترجمه اصطلاحات ادبی، علمی و عامیانه و همچنین وضعیت ترجمه در نیم سده اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

کتاب حاضر بخشی از مجموعه‌ای یکصد و پنجاه جلدی است که دربردارنده گزیده مقالات دوره‌های کامل مجلات فرهنگ و زندگی، رودکی و هنر و مردم خواهند بود. این مجلات در شاخه‌های مختلف علوم انسانی از جمله هنر، سیاست، فرهنگ، تاریخ، ادبیات، علوم اجتماعی و جز این‌ها منتشر می‌شوند که به ترتیب در اختیار پژوهندگان و علاقه‌مندان قرار خواهند گرفت.

هدف از انتشار دوباره این مقالات، آشنایی نسل جوان ایرانی با گوشه‌هایی از افکار نویسندگان معاصر ایران و جهان در حوزه فرهنگ و هنر است.

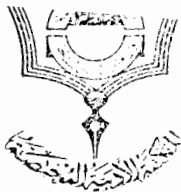
۵۵۰۰ ریال



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
WWW.PPOIR.COM

۹۶۰  
۱





۲,۳۰۰



سازمان چاپ و انتشارات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

فرشیدورد، خسرو، ۱۳۰۸ -  
 پیرامون ترجمه (مجموعه مقالات) / خسرو فرشیدورد، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی  
 [شورای عالی فرهنگ و هنر] - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات،  
 ۱۳۸۱.  
 ۱۰۴ ص: جدول، نمودار.. (مقالات فرهنگ و زندگی؛ ۷)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
 ISBN 964-422-446-9  
 On Translating (A Collection of Articles)  
 پشت جلد به انگلیسی:  
 این کتاب متن مقاله‌ای از فصلنامه فرهنگ و زندگی شماره ۲۳ سال ۱۳۵۵ می‌باشد.  
 کتابنامه به صورت زیرنویس.  
 ۱. ترجمه - مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۲. فارسی - ترجمه - مقاله‌ها و خطابه‌ها. الف. شورای عالی  
 فرهنگ و هنر. مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی. ب. ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛  
 سازمان چاپ و انتشارات. ج. فرهنگ و زندگی [فصلنامه].

۴فا/۰۲

PIR2894/ف۴پ۹

۱۳۸۱

۸۱-۲۸۳۲۲ م

کتابخانه ملی ایران

گزیده مقالات مجله فرهنگ و زندگی

---

شماره ۲۳

سال ۱۳۵۵

پیرامون ترجمه

(مجموعه مقالات)



---

**On Translating**  
(A Collection of Articles)

---

دکتر خسرو فرشیدورد - مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی

تهران ۱۳۸۱



سازمان چاپ و انتشارات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

## پیرامون ترجمه (مجموعه مقالات)

### On Translating (A Collection of Articles)

دکتر خسرو فرشیدورد - مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی

نسخه پرداز: جهانگیر منصور

حروفچینی، صفحه‌آرایی و نمونه‌خوانی: کارگاه ادب (شهاب منصور، مریم نصیری آذر)

طرح روی جلد: لاله سلطان محمدی

قلم‌های استفاده شده: لوتوس، ژو، میترا، تایمز

کاغذ مورد استفاده: ۷۰ گرمی تحریر خارجی

امور فنی رایانه‌ای: مسعود فیروزخانی

ناظر چاپ: علی فرازنده خالیدی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۱

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار

سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.  
هرگونه استفاده از این اثر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ممنوع است.

شابک ۹۶۴-۴۲۲-۴۴۶-۹

ISBN 964-422-446-9

چاپخانه، انتشارات و توزیع:

کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج - نبش سه‌راه شیشه مینا - تهران ۱۳۹۷۸ ۱۵۳۱۱

تلفن: (چهار خط) ۴۵۱۳۰۰۲ نمابر: ۴۵۱۴۴۲۵

انتشارات: ۴۵۲۵۴۹۵ توزیع: ۴۵۲۹۶۰۱ نمابر توزیع: ۴۵۲۹۶۰۰

فروشگاه شماره یک:

خیابان امام خمینی - نبش خیابان شهید میردامادی (استخر) - تهران ۱۱۳۷۹ ۱۳۱۴۵

تلفن: ۶۷۰۲۶۰۶

فروشگاه شماره دو:

نشر زلال - خیابان انقلاب - خیابان ۱۶ آذر - تهران ۱۴۱۷۹ ۳۵۸۱۴

تلفن: ۶۴۱۹۷۷۸

نشانی سایت اینترنتی:

WWW.PPOIR.COM

## فهرست

|    |                                                             |
|----|-------------------------------------------------------------|
| ۷  | • مقدمه                                                     |
| ۹  | • تأثیر ترجمه در زبان فارسی                                 |
| ۱۱ | تأثیر ترجمه عربی در واژگان و دستور فارسی                    |
| ۱۱ | الف - تأثیر عربی در واژگان فارسی                            |
| ۱۴ | ب - تأثیر دستوری ترجمه‌های عربی در فارسی                    |
| ۱۹ | معانی حروف اضافه فارسی تحت تأثیر ترجمه عربی                 |
| ۲۱ | تأثیرهای دیگر دستوری ترجمه عربی در فارسی                    |
| ۲۴ | تأثیر ترجمه از زبان‌های فرانسه و انگلیسی در زبان فارسی      |
| ۲۵ | تأثیر ترجمه از زبان‌های انگلیسی و فرانسوی در واژگان فارسی   |
| ۲۶ | ۱ - اصطلاحات مربوط به تعارفات روزانه و آداب و رسوم اجتماعی  |
| ۲۷ | ۲ - اصطلاحات مربوط به زندگی روزانه                          |
|    | ۳ - بسیاری از اصطلاحات شاعرانه و ادبی و هنری معاصر ترجمه    |
| ۲۸ | [از فرانسه یا انگلیسی است]                                  |
| ۲۹ | ۴ - اصطلاحات علمی و فنی                                     |
| ۳۶ | ۵ - بسیاری از تعبیرات و اصطلاحات ترجمه‌ای                   |
|    | ۶ - بعضی از جمله‌هایی که امروز به کار می‌روند به نظر می‌رسد |
| ۳۷ | [از فرنگی ترجمه شده باشند]                                  |
| ۳۷ | ۷ - مجازها و تعبیرات ادبی ترجمه‌ای                          |
| ۳۹ | تأثیر دستوری ترجمه از فرانسه و انگلیسی در فارسی             |
| ۳۹ | ظهور عناصر و اشکال تازه دستوری تحت تأثیر ترجمه              |
| ۴۷ | رواج بعضی از عناصر دستوری تحت تأثیر ترجمه                   |
| ۵۲ | تأثیر حروف اضافه فرانسوی و انگلیسی در فارسی                 |
| ۷۵ | تأثیر ترجمه در شعر فارسی                                    |
| ۸۰ | • ترجمه در نیم قرن اخیر                                     |



## مقدمه

فصلنامه فرهنگ و زندگی از نشریاتی است که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر با هدف جستجوی راه‌ها و شیوه‌هایی که جامعه را هرچه بیشتر و بهتر با «خود» و جهان پیرامون خویش آشنا کند، منتشر می‌شد.

اولین شماره این نشریه در دی‌ماه ۱۳۴۸ جامهٔ طبع برپوشید و تا سال ۱۳۵۶، در مجموع ۲۶ شماره از آن، دربرگیرنده ده‌ها مقاله در موضوعات گوناگون فرهنگی، به قلم روشنفکران، نویسندگان و اندیشمندان ایرانی و خارجی منتشر شد. گفتنی است که حقوق و امتیاز این نشریه متعلق به دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر (دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی فعلی) است. به هر تقدیر، به دلیل برخی از مقالات ارزشمند در این مجموعه — که به صورت کتاب در نیامده و به صورت دیگری نیز تجدید چاپ نشده‌اند — و همچنین برای آشنایی نسل جوان با سیر تفکر نویسندگان و ارباب قلم و بررسی تحولات فکری و تاریخ معاصر ایران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقدام به بررسی دورهٔ کامل این نشریه کرده است. در نتیجهٔ این بررسی، مقالات به چهار گروه تقسیم شده‌اند:

۱- مقالاتی که تنها براساس مسائل روز و با توجه به پیشرفت‌های علمی آن زمان نوشته شده‌اند، مانند مقالاتی در مورد سیستم‌های صوتی تصویری یا رایانه‌های آن زمان. بدیهی است اینگونه مقالات فایده یا ارزش خاصی برای تجدید چاپ ندارند.

۲- مقالاتی — البته معدود — که اغلب از دیدگاه خاص سیاسی فرهنگی حاکم در حکومت گذشته به رشتهٔ تحریر در آمده‌اند و با مبانی عقیدتی و سیاسی مردم ایران هماهنگی ندارند و از این رو، انتشار دوبارهٔ آنها نیز فایده و ضرورتی ندارد.

۳- برخی از مقالات که با وجود ارزشمند بودن، بعدها با تکمیل و اضافه شدن مطالب دیگر به صورت کتاب مستقل منتشر شده‌اند. بدین ترتیب، تجدید چاپ آن مقالات افرون بر تضييع حقوق مؤلف و ناشر، باعث افزایش حجم مجموعه حاضر می‌شود. از جمله این مقالات می‌توان از «شعر کودک در ایران» نام برد که به صورت کتاب بارها تجدید چاپ شده است. بنابراین، از آوردن اینگونه مقالات نیز خودداری شد.

۴- و سرانجام، مقالات مفید و ارزشمندی که هیچ یک از موانع یاد شده را برای چاپ نداشتند، انتخاب و براساس نزدیکی موضوع و محتوای مقالات، در چند عنوان طبقه‌بندی شدند که البته به تدریج منتشر خواهند شد. در پایان یادآوری چند نکته ضروری است:

۱) مجموعه حاضر تنها براساس متن مقالات منتشر شده در نشریه فرهنگ و زندگی فراهم آمده و هیچگونه ویرایش یا تغییر محتوایی در آن صورت نگرفته است. از مهم‌ترین دلایل این شیوه آن بود که اولاً دسترسی به همه مؤلفان مقالات ممکن نیست و ثانیاً برخی از نویسندگان این مقالات به هر دلیل و دست کم به خاطر گذشت زمان در افکار و اندیشه‌های خود تجدیدنظر کرده‌اند. تغییر در محتوای این مقالات، در عمل یکی از اهداف ناشر را که آشنایی با چگونگی اندیشیدن در آن زمان است، مخدوش می‌سازد؛ بنابراین، مجموعه حاضر دقیقاً براساس همان مقالات و تنها با حداقل تغییر در رسم الخط منتشر شده است.

۲) در برخی از مقالات یک یا چند مورد مغایر با اهداف و مبانی موردنظر در انتشار این مجموعه وجود داشته که چون اینگونه موارد اندک هستند و از طرفی نکات ارزشمند مقالات بیشتر است، ضمن انتشار متن کامل مقاله، به آن نکات در جای خود توجه داده شده است.

۳) از موارد بالا روشن می‌شود که ضمن تأکید بر مفید بودن انتشار این مقالات، در هر حال مسئولیت صحت مطالب هر مقاله بر عهده نویسنده آن است. در پایان، از همه خوانندگان دعوت می‌شود تا با ارائه آرای خود، ناشر را در ارائه خدمات فرهنگی یاری دهند. ان شاء الله.

دبیر شورای علمی

علیرضا مختارپور

## تأثیر ترجمه در زبان فارسی

دکتر خسرو فرشیدورد

زبان فارسی دارای جنبه‌ها و جلوه‌های متنوع و متعددی است که پژوهش درباره همه آنها برای فرزندان این مرز و بوم وظیفه‌ای است حتمی و لازم، مثلاً پژوهش درباره زبان‌های ایرانی پیش از اسلام، لهجه‌های محلی، زبان دری کهن و آثار متعددی که از آن باقی مانده است و همچنین تحقیق درباره زبان فارسی معاصر، بر ما فرض است ولی آنچه بیش از همه مورد نیاز ماست فارسی معاصر است و چون فارسی معاصر آینده تحت تأثیر ترجمه از زبان‌های اروپایی قرار دارد و خواهد داشت به نظر من مهم‌ترین مسئله زبان فارسی برای ما ترجمه است و سایر مسائل این زبان از قبیل تصحیح متون قدیم و زبان‌های پیش از اسلام در درجه دوم اهمیت قرار دارد. یکی از معایب کار دانشگاه‌ها و معلمان ادبیات این است که به این مسئله حیاتی یعنی فارسی معاصر و ترجمه، توجه لازم را نکرده‌اند و در نتیجه زبان امروز ما تحت تأثیر ترجمه‌های بد و ناقص قرار گرفته است که ده‌ها اصطلاح ترجمه‌ای نامناسب حاصل آن است. اصطلاحاتی چون: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه، فوق الذکر، اتخاذ تدابیر لازم و ده‌ها مانند آن.

مسئله ترجمه و اخذ تعبیرات ترجمه‌ای و لغات بیگانه خود زاییده برخورد زبان‌ها با یکدیگر است و برخورد زبان‌ها با هم نیز حاصل برخورد فرهنگ‌ها با یکدیگر است و این برخورد و پیوند فرهنگ‌ها و زبان‌ها با هم یکی از عوامل پیشرفت اجتماعات و علوم و فنون و معارف

است و امری است کاملاً طبیعی و ناگزیر زیرا هیچ زبان و فرهنگی نیست که تحت تأثیر زبان و فرهنگ‌های دیگر قرار نگرفته باشد.

حاصل جریان طبیعی برخورد فرهنگ‌ها و زبان‌ها باهم یکی ورود لغات زبانی است به زبان دیگر به عین لفظ که زبان‌شناسان آن را عاریه یا قرض<sup>۱</sup> می‌گویند و دیگر مسئله مهم ترجمه است به این سبب زبان‌شناسی جدید برای این دو موضوع اهمیت فراوانی قائل شده است و در این زمینه بحث‌های بسیاری کرده است بخصوص که بعضی از اصطلاحات و تعبیرات ترجمه‌ای خود نوعی قرض و عاریه‌اند که می‌توان آنها را عناصر قرضی ترجمه‌ای نامید مانند بسیاری از تعبیرات علمی و ادبی و هنری و روزنامه‌ای که وارد زبان ما شده‌اند. عناصری از قبیل: ابراز امید کردن، ابراز یأس کردن، ابراز نگرانی کردن، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و غیره. بنابراین این تعبیرات هم جنبه قرضی و عاریه‌ای دارند، هم جنبه ترجمه.

هر چه زبانی از لحاظ علمی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی غنی‌تر و قوی‌تر باشد به زبان‌های دیگر لغت و مفاهیم بیشتری قرض و عاریه می‌دهد و هر چه ملتی از نظر علمی و فنی و اقتصادی و مذهبی و سیاسی به کشور دیگر بیشتر احتیاج داشته باشد از آن نیز بیشتر لغت و مفهوم عاریه و قرض می‌کند به همین سبب امروز لغات و مفاهیم اروپایی که زبان صنعت و فن و علوم و معارف جدید است بیش از هر زبانی وارد زبان کشورهای کوچک‌تر و نیازمندتر می‌شود تا جایی که زبان روسی که خود نیز از زبان‌های علمی و صنعتی و فنی دنیاست و به نوبه خود در زبان‌های دیگر تأثیر می‌کند، از این نفوذ در امان نمانده است.

باری این جریان طبیعی یعنی هجوم لغات و مفاهیم جدید کشورهای پیشرفته به زبان ممالک کوچک و در حال پیشرفت مسئله‌ای ایجاد می‌کند

۱. عاریه یا قرض یا وام را در اصطلاح زبان‌شناسی در فرانسه Emprunt و در انگلیسی Borrowing می‌گویند.

که به سه صورت حل می‌شود: ۱ - گرفتن لغات خارجی به عین لفظ  
 ۲ - ترجمه ۳ - راه بین بین یعنی هم ترجمه و هم گرفتن لغات.  
 اینک ما در این مقاله که بر پایه ده هزار یادداشت است تأثیر ترجمه را  
 از زمان‌های بسیار قدیم تا کنون در زبان فارسی بررسی می‌کنیم. پیش از  
 این بررسی باید این نکته مهم را یادآوری کنیم که هر زبانی دارای دو  
 دستگاه مهم است یکی دستگاه واژگان<sup>۱</sup> که شامل عناصر نامحدود است که  
 به این سبب آن را طبقه باز زبان می‌گویند. دیگر دستگاه دستوری که شامل  
 عناصر محدودی است، عناصری از قبیل پسوندها و پیشوندها، ضمائر و  
 حروف و بعضی از صفات؛ به این سبب آن را طبقه بسته زبان می‌نامند.  
 ترجمه هم بر دستگاه واژگان زبان فارسی تأثیر کرده است و هم بر  
 دستگاه دستوری آن. ما در اینجا تأثیر ترجمه از زبان‌های عربی و فرانسه و  
 انگلیسی در زبان فارسی را بررسی می‌کنیم.

#### تأثیر ترجمه عربی در واژگان و دستور فارسی

##### الف - تأثیر عربی در واژگان فارسی

بسیاری از لغات و تعبیرات و ترکیبات زبان فارسی ترجمه از عربی  
 هستند مانند مرد ره، رونده، سالک، رهرو که همه ترجمه سالک عربی به  
 معنی عارفند.

تو، ز خوک خویش اگر آگه نه‌ای

سخت معذوری که مرد ره نه‌ای [منطق الطیر]

آمد افسوس کنان مغیچه باده فروش

گفت بیدارشو، ای رهرو خواب آلوده [حافظ]

تنی چند از روندگان متفق سیاحت بودند [سمنان].

ترسا ترجمه راهب:

---

۱. مراد از واژگان مجموعه لغات زبان است.

دختری ترسا و روحانی صفت  
در ره روح اللهش صد معرفت [منطق الطیر]

دختر رز ترجمه بنت العنب و ابنة الکرم و ابنة عنقود:  
علالی به صوت نامی و عود  
والقیانی دم ابنة عنقود [ابن معتر]

مرا سجده گه، بیت بنت العنب به  
که از بیت ام القری می گریزم [خاقانی]

دوستان دختر رز توبه ز مستوری کرد  
شد سوی محتسب و کار به دستوری کرد [حافظ]

قصه برداشتن ترجمه رفع القصه (به معنی گزارش دادن):  
صاحب غرضی قصه به سلطان ابراهیم برداشت [چهار مقاله، ص ۷۱، چاپ دکتر  
معین]

داستان زدن ترجمه ضرب المثل:  
خدای را شرم باز ندارد که بزند داستانی [ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۴۲، چاپ یفمایی]  
در ترجمه ان الله لا یستحیی ان یضرب مثلاً (سوره البقره، آیه ۲۶).

بر رغم ترجمه علی رغم.  
ابر هزمان پیش روی آسمان بندد نقاب  
آسمان بر رغم او از بوستان ظاهر شود [منوچهری]

گرفتن به معنی مجازات کردن ترجمه اخذ عربی به همان معنی (اخذ  
بذنبه):

یارب مگیرش ارچه دل چون کبوترم  
افکند و کشت و حرمت صید حرم نداشت [حافظ]  
چشم خروس ترجمه عین الدیک:

لب از لب چو چشم خروس ابلهی بود  
برداشتن به گفته بیهوده خروس [سعدی]

یگانه زمانه ترجمه وحید العصر:

یگانه زمانه شدستی ولیکن  
نشد هیچ کس از زمانه یگانه [ناصرخروا]

حاجت برداشتن ترجمه رفع الحاجة:

به صدر بار تو بردارم از جهان حاجت  
اگر به یک لب نان باشد و به یک دم آب [سوزنی]

نیک محضر ترجمه حسن المحضر:

دو کس چه کنند از پی خاص و عام  
یکی نیک محضر دگر زشت نام

و از همین قبیل است:

|                 |       |             |
|-----------------|-------|-------------|
| آفتاب گردان     | ترجمه | دوار الشمس  |
| دوست گرفتن      | ترجمه | اتخاذ الولی |
| روزگار مرد      | ترجمه | رجل زمانه   |
| روی آوردن       | ترجمه | توجه        |
| چشم بر هم زدن   | ترجمه | طرفة العين  |
| فریاد خواستن    | ترجمه | استغاثه     |
| خنک نوبتی       | ترجمه | فرس النوبة  |
| جوانمردی        | ترجمه | فتوة        |
| به تن خویش      | ترجمه | بنفسه       |
| به نفس خویش     | ترجمه | بنفسه       |
| دامن به کمر زدن | ترجمه | تشمير       |
| کپه ترازو       | ترجمه | کفة الميزان |

بنابراین ترجمه<sup>۱</sup> بناء علیهذا  
 بعضی از این گونه لغات و اصطلاحات که از عربی به فارسی برگردانده  
 شده‌اند خود از یونانی و سریانی به عربی ترجمه شده‌اند مانند گاو زبان  
 (لسان الثور)، زبان گنجشک (لسان العصفور)، خرس مهتر (دب اکبر)،  
 خرس کهتر (دب اصغر)<sup>۲</sup>

غنوده از پس او خرس مهتر  
 چو بچه پیش او در، خرس کهتر [ویس و امین]

#### ب - تأثیر دستوری ترجمه‌های عربی در فارسی

ترجمه عربی در ساختمان دستوری بعضی از نوشته‌های فارسی نیز  
 تأثیر کرده است و این تأثیرها در این موارد است:  
 ۱- به وجود آمدن مفعول مطلق به شیوه عربی - از اقسام مفعول مطلق  
 عربی مفعول مطلق نوعی<sup>۳</sup> تحت تأثیر ترجمه در فارسی به کار رفته است  
 و آن مصدری است که به تنهایی یا با متمم خود چگونگی و وقوع فعل را  
 بیان می‌نماید. بنابراین نقش قید کیفیت را بازی می‌کند و از گروه‌های  
 قیدی کیفیت به شمار می‌رود. در عربی این نوع مفعول مطلق فراوان  
 است اما در فارسی چنین نیست و آنجا هم که به کار می‌رود بیشتر  
 تحت تأثیر عربی است از همین رو در آثاری که از عربی ترجمه شده  
 است بسیار است. و آشکار است که با ساختمان زبان فارسی چندان  
 منطبق نیست. مثال:

می‌خوانند آن را سزای خواندن [ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۱۰۱] در ترجمه

۱. برای دیدن این گونه واژه‌ها و لغات و تعبیرات ترجمه‌ای، به کتابهای تفسیر فارسی از  
 قرآن و به فرهنگنامه‌های عربی به فارسی نگاه کنید: به کتابهایی از قبیل ترجمه تفسیر  
 طبری، کشف الاسرار، تفسیر ابوالفتح، تفسیر قرآن مجید (تصحیح دکتر متینی)، مقدمه الادب  
 زمخشری، المرقاة ادیب نطنزی، تاج المصادر بیهقی، ترجمان القرآن و غیره.  
 ۲. برای دیدن این گونه کلمات و تعبیرات به مقاله «ترجمه از زبانی به زبان دیگر» نوشته  
 آقای محمد طباطبایی در مجله وحید سال سوم شماره ششم رجوع کنید.  
 ۳. در عربی مفعول مطلق سه قسم است: ۱- نوعی ۲- عددی ۳- تأکیدی.

«یتلونه حق التلاوته» [سورة البقره، آیه ۱۲۱] که در اینجا حق نایب مفعول مطلق و «تلاوة» مضاف الیه آن است. «حق التلاوته» چنان که می بینیم در ترجمه تفسیر طبری «سزای خواندن» ترجمه شده در حالی که در کشف الاسرار «پی بردن به سزا» ترجمه گردیده است: «پی بردند به آن پی بردن به سزا» [کشف الاسرار، ج ۱، ص ۲۳۳].

البته چنان که دیده می شود این ترجمه ها تحت اللفظی است و عبارات ترجمه ای هم به سیاق فارسی نیست مثلاً در اینجا کافی بود «حق التلاوته» «به سزا» ترجمه می گردید و عبارت چنین می شد: آن را بسزا می خوانند. برای دیدن این گونه مثال ها رجوع کنید به کشف الاسرار جلد ۷ ص ۴۲ س ۱۵ و ص ۱۹۹ و جلد ۱، ص ۳۲۰ و ۳۳۲:

در اشعار منوچهری و تاریخ بیهقی و التفهیم ابوریحان که متأثر از عربی هستند نیز مفعول مطلق به شیوه عربی و برخلاف سیاق جمله بندی فارسی دیده می شود:

فرو د آور به درگاه وزیرم  
فرو د آوردن اعشی به باطل [منوچهری]

ببرند بریدن بر پشت کرده [التفهیم، ص ۸۳، چاپ ۱۳۱۸، تصحیح همایی].

بخشیده است بخشیدن راست [همان کتاب، ص ۳۶۲].

غلامان را بفرمود تا بزدند، زدنی سخت و قباش پاره کردند [بیهقی، ص ۱۶۳، تصحیح دکتر فیاض و دکتر غنی] <sup>۱</sup>.

در آثار غیر ترجمه نیز به ندرت مفعول مطلق نوعی به چشم می خورد:

بخندید خندیدنی شاهوار  
چنان کامد آوارش از چاهسار [فردوسی]

۱. برای دیدن مثال های بیشتر به تاریخ بیهقی صفحه های ۳۸ و ۴۲ و ۴۴ و ۲۰۷ مصحح دکتر فیاض و دکتر غنی رجوع کنید.

قاصدان را بر عصایت دست نی  
تو بخسب ای شه مبارک خفتنی [مولوی]

نگه کرد رنجیده در من فقیه  
نگه کردن غاقل اندر سقیه [سعدی]

امروز هم مفعول مطلق به کار می رود اما نه به شیوه قدیم مانند: «خندید اما چه خندیدنی» و «رفت اما چه رفتنی». چنان که دیده می شود امروز مفعول مطلق با «چه» و «اما» همراه است.<sup>۱</sup> به هر حال دآوری درباره اینکه مفعول مطلق در فارسی همیشه تحت تأثیر عربی به وجود آمده است کار آسانی نیست اما شک نیست که در تفسیرها و ترجمه های تحت اللفظی چنین است.

۲ - مفعول له بدون حرف اضافه - مفعول له در عربی اسمی است که فعل برای آن واقع می شود یا به عبارت دیگر غایت وقوع فعل است مانند «ضربه تأدیبا» (او را به منظور تأدیب زدم) این مفعول در عربی گاهی بدون حرف جر می آید مانند مثالی که دیدیم و گاهی هم با حرف جر «ل» همراه است ولی در فارسی همواره با حرف اضافه یا گروه های اضافی می آید یعنی با کلمات و گروه هایی از قبیل «برای»، «از برای»، «از بهر»، «به منظور»، «به علت»، «به سبب» و غیره مگر آنجا که تحت تأثیر ترجمه عربی باشد و حرف اضافه آن حذف گردد. مثال:

«کنند انگشت ها اندر گوش هاشان از صاعقه ها بیم مرگ» [ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۱] در ترجمه آیه يجعلون اصابعهم فی آذانهم من الصواعق حذر الموت [سوره بقره، آیه ۱۹].

که «بیم مرگ» باید با «از» و یا با «به سبب» همراه باشد همان طور که در

۱. در زبان انگلیسی هم اصطلاحی است به نام The Cognate Object که مفعول هم ریشه معنی می دهد و با مفعول مطلق منطبق است مانند:  
او زندگانی کرد درازی He lived long life

کشف الاسرار چنین است.

«انگشت‌های خود را در گوش‌ها کنند از بیم آنکه صاعقه رسد به ایشان از بیم مرگ» [کشف الاسرار، ج ۱، ص ۷۶، در ترجمه همان آیه].  
مثال دیگر:

و خداوند خویش را می‌خوانند بیم و امید [کشف الاسرار، ج ۷، ص ۵۲۹، س ۲۱] در ترجمه «یدعون ربهم خوفاً و طمعاً» [سوره سجده، آیه ۱۶].  
به طوری که می‌بینیم «خوفاً و طمعاً» به جای «از بیم و امید» «بیم و امید» ترجمه شده است.  
مثال دیگر:

خواهد بیشتری از اهل کتاب ارباز گرداندی شما را از پس ایمان شما کافری حسدی از نزدیک تنهاشان [ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۹۹، س ۱۱].  
در ترجمه «کثیر من اهل الکتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم حسداً من عند انفسهم» [سوره البقره، آیه ۱۰۹].

یادآوری - ضمناً مفعول‌له‌های عربی به همان صورت اصلی خود در زبان فارسی نیز نفوذ کرده و در آثار زبان‌ما به کار رفته‌اند مانند تیمناً، تفنناً، تعمیماً، توسعاً یعنی «برای تیمن»، «برای تفنن»، «برای تعمیم»، «برای توسع»:  
«و بعضی از آنها تیمناً نگارش یافت» [مجمع‌الفصحاء، ج ۱، ص ۵۰، چاپ مصفا].  
«بعضی از نتایج افکار ابکارش تیمناً تحریر شد» [مجمع‌الفصحاء، ج ۱، ص ۵].  
«ولی تعمیماً للفاثده تکرار آن را در این موضوع خالی از فایده ندانستیم» [محمد قزوینی تعلیقات چهارمقاله، ص ۶، چاپ معین].

«و این اصل معنی آن بوده پس از آن توسعاً به معنی مطلق‌نامه استعمال شده است» [ملک الشعراوی بهار، نقل از سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۲۰۵].

۳- مطابقه حال با صاحب حال - در فارسی حال (قید حالت) برخلاف عربی با صاحب آن مطابقت نمی‌کند اما در ترجمه تحت‌اللفظ از جمله‌های عربی گاهی این مطابقه دیده می‌شود و پیدا است که چنین مورد

استعمالی تحت تأثیر ترجمه به وجود آمده است. مثال:

«به گزاف در زمین مروید بدکاران» [کنف الاسرار، ج ۷، ص ۴۸۲].

در ترجمه «لا تعثوا فی الارض مفسدین» [آیه ۳۶ از سوره عنکبوت]. که «بدکاران» به معنی «بدکارانه» و «با بدکاری» است که قید حالت است و برخلاف سیاق عبارت فارسی است و به پیروی از «مفسدین» عربی که حال است به صورت جمع آمده است.

یادآوری - در فارسی غیرترجمه هم به ندرت مطابقه قید حالت با صاحب آن (فاعل یا مفعول) فعل به چشم می خورد:  
نشستند هر دو پراندریشگان  
شده تیره روز جفا پیشگان

[شاهنامه بروخیم، ج ۱، ص ۹۴، س ۶۲۴]

«مستان» نیز در تاریخ بیهقی به صورت قید حالت جمع بسیار آمده است:  
و سرهنگان و خلپتاشان و اصناف لشکر را بر آن خوان نشانند و شراب  
چون جوی آب روان شد چنان که مستان بازگشتند [تاریخ بیهقی، ص ۵۲۱، س ۹].<sup>۱</sup>  
بعضی دیگر از عناصر دستوری فارسی نیز ترجمه تحت اللفظی  
عناصر دستوری عربی از این قبیلند این عناصر:  
ای عجب ترجمه یاللعجب و ای کاش ترجمه یالیت.  
ای عجب این رنگ از بی رنگ خاست  
موسنی با موسنی در جنگ خاست [مولوی]

ای کاش که جای آرمیدن بودی

یا این ره دور را رسیدن بودی [خیام]

شاید «ای دریغ» ترجمه «واحسرتاه» و «خوشا» ترجمه «طوبی» باشد.

۱. از این گونه مطابقه‌ها در کتابهای تفسیر فراوان است. به مقاله نگارنده زیر عنوان «نشانه جمع و قید» در مجله وحید سال دوم شماره اول رجوع کنید.

وگرنه ترجمه والا (وان لا) ست:

چو سائل از توبه زاری طلب کند چیزی  
بده وگرنه ستمگر به زور بستاند [سعدی]

بده دادمن زان لبانت وگرنه  
سوی خواجه خواهم شد از توبه گرزش [خروانی]

«هرگاه... هر آینه» - هر آینه در فارسی قدیم قید تأکید بوده است و وقتی جواب هرگاه یا چون یا اگر باشد و در آغاز جمله جزاء یا جمله جواب شرط درآید، جنبه ترجمه‌ای داشته است زیرا در عربی هم در این موارد «ل» (به معنی هر آینه) می‌آید، بنابراین ترجمه از عربی نوعی ساختمان نحوی خاص در فارسی به وجود آورده است:

هرگاه که متقی در کار این جهان تأملی کند هر آینه مقابح آن را به نظر بصیرت بیند [منتخب کلیله و دمنه، ص ۳۵، س ۲].

و چون از لذات دنیا با چندان وخامت عاقبت آرام نمی‌باشد هر آینه تلخی اندک که شیرینی بسیار ثمرت دهد به از شیرینی اندک کزو تلخی بسیار زاید [همان کتاب، ص ۳۶، س ۱۶].

و هر راز که ثالثی در آن محرم نمی‌شود هر آینه از اشاعت مصون ماند [همان کتاب، ص ۲۵].

دل از جواهر مه‌رت چو صیقلی دارد

بود ز زنگ حوادث هر آینه مصقول

[حافظ، ص ۲۰۸، تصحیح قزوینی]

#### معانی حروف اضافه فارسی تحت تأثیر ترجمه عربی

بسیار دیده شده است که مورد استعمال و معنی حروف اضافه یک زبان از راه ترجمه به زبانی دیگر نفوذ می‌کند و این امر موارد استعمال معنی‌هایی به وجود می‌آورد که قبلاً در زبان دوم نبوده است مانند استعمال

حرف اضافه «برای» پیش از اسم‌ها و قیود زمان فارسی که تحت تأثیر زبان‌های فرنگی به وجود آمده است<sup>۱</sup> و مثلاً برای همیشه: ترجمه pour toujours فرانسه و یا for ever انگلیسی است، در حالی که پیش از آن چنین مورد استعمالی در فارسی نبوده و «به جای آن» تا جاودان، جاودان و همیشه می‌گفته‌اند.

بر طبق این قاعده به کار رفتن بسیاری از حروف اضافه در جمله‌های فارسی مقتبس از عربی است و ممکن است برعکس این نیز باشد مانند: بر عمیا ترجمه علی العمیا:

تو چون موری و این را هست همچون موی بت رویان  
مرو زنه‌ار بر تقلید و بر تخمین و بر عمیا [سنائی]

در گذاشتن از ترجمه عفو عن:

«اکنون که توبه کردید از شما در گذاشتیم» [تفسیر توبت جام] به جای شما را عفو کردیم یا شما را بخشودیم  
بر سبیل، ترجمه علی سبیل:

«و الأعلی سبیل الندره، گل‌های بوییده و دست مالیده دیگران  
استشمام نکرده» [مرزبان‌نامه] و در فارسی امروز هم داریم بر سبیل اتفاق، بر سبیل تصادف، بر سبیل ندرت. در قدیم نیز داریم: بر سبیل تعجیل  
[منتخب کلیله و دمنه، ص ۲۶، س ۱۱، از مرحوم قریب].

بر سبیل افترا [همان کتاب، ص ۴۳، س ۱۳]. بر سبیل تطوع و تبرع [همان کتاب، ص ۱۲۳].  
با توجه به اینکه کلیله و دمنه فارسی ترجمه از عربی است درستی فرض ما در مورد اینکه «بر سبیل» ترجمه «علی سبیل...» است ثابت می‌شود.  
«و بر حکم فرمان عالی این چند فصل بر سبیل اختصار نوشته آمد»  
[سیاست‌نامه، ص ۵، س ۱۴، تصحیح عباس اقبال].

نگه کرد در، نگریست در ترجمه نظرفیه: ساعتی در خود نگر تا کیستی

۱. مانند: برای همیشه، برای مدت یک سال.

نگه کرد رنجیده در من فقیه  
نگه کردن عاقل اندر سفیه [سعدی]

به رغم و بر رغم ترجمه علی رغم  
به رغم مدعیانی که منع عشق کنند  
جمال چهره تو حجت موجه ماست [حافظ قزوینی، ص ۱۸]

و از این قبیل است:  
در جمله ترجمه فی الجمله  
تفضیل دلم چه پرسى ای جان جهان  
در جمله همی دان که دلی دارم خوش  
از جمله ترجمه من جمله  
برفور ترجمه علی الفور  
سلام بر شما ترجمه سلام علیکم

#### تأثیرهای دیگر دستوری ترجمه عربی در فارسی

الف - بعضی از عناصر دستوری ترجمه از عربی اند: «اگر نه» که ترجمه  
«لولا» است:

گر نه عشق تو بُدی لعب فلک  
هر رخی را فرسی داشت می

[دیوان خاقانی، ص ۶۷۵، تصحیح دکتر سجادی، چاپ ۱۳۳۹]

«وگر» و «ور» به معنی اگرچه ممکن است ترجمه «وان» و «ولو» باشد و  
ممکن است نیز چنین نباشد زیرا در فارسی نیز «و اگر» به معنی «اگرچه»  
وجود دارد.

ور فریدون بود به نعمت و مال  
بی هنر را به هیچکس مشمار [سعدی]

ب - «هان ای» ترجمه «الا یا»

الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها  
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها [حافظ]

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان  
ایوان مداین را آینه عبرت دان [خاقانی]

صیغه افعال تفضیل در عربی هم معنی تفضیلی دارد مانند هو افضل منک: او فاضل تر از توست. و هم معنی عالی مانند «هو افضل الرجال» «او فاضل ترین مردان است». «پسوند» تر در قدیم نیز در فارسی چنین بوده است یعنی هم مثل امروز برای تفضیل و به معنی تر می آمده است و هم به معنی «ترین» بوده است و صفت عالی می ساخته است بنابراین کاری شبیه به افعال تفضیل عربی می کرده است و معنی «ترین» آن ممکن است تحت تأثیر ترجمه عربی به وجود آمده باشد. مثال برای «تر» به معنی امروزی آن:

چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مست را  
که کس آهوی وحشی را از این خوش تر نمی گیرد [حافظ]

مثال برای «تر» به معنی «ترین»:

«و بدان ای پسر که سرشت مردم چنان آمده که تکاپوی کند تا از دنیا آنچه نصیب او آمده باشد به گرامی تر کس خویش بماند و نصیب من از دنیا سخن آمد و گرامی تر کس بر من تویی» [قابوسنامه، ص ۳، تصحیح دکتر یوسفی] یعنی «گرامی ترین کس خویش».

اگر چند از نامور تر تباری

و گر چند از بهترین خاندانی [فروغی]

بعضی از ساختمان های دستوری و همچنین برخی از تعبیرات که در عربی و فارسی مانند یکدیگرند حاصل ترجمه فارسی از عربی نیست مثلاً هم در عربی و هم در فارسی میانه و هم در فارسی دری قدیم برای

موصوف جمع صفت جمع می آمده است:

به صفای دل رندان صبحی زدگان

بس در بسته به مفتاح دعا بگشایند<sup>۱</sup> [حافظ]

به هر حال مشابهت این گونه اصطلاحات در دو زبان همیشه بر اثر ترجمه نیست بلکه بسیاری از این موارد حاصل توارد است مانند: «نظر فیه عربی و to look at انگلیسی»، «در واقع فارسی و فی الواقع عربی و in fact انگلیسی و en réalité فرانسوی»، «فی الحقیقه عربی و در حقیقت فارسی و en verité فرانسوی»، «فی الاصل عربی و در اصل فارسی و in principle انگلیسی و en principe فرانسوی».

ضمناً نثر عربی تحت تأثیر پهلوی و به وسیله نویسندگان و مترجمان ایرانی نسب و پهلوی دانی چون ابن المقفع و عبدالحمید کاتب کمال یافت و مثلاً در سه قرن اول هجری کتابها و رسالات فراوانی از پهلوی به عربی ترجمه شد از آن جمله است کتاب التاج، کلیله و دمنه، نامه تنسر، گزارش شطرنج، لهراسب نامه، آیین چوگان زدن، آیین تیراندازی، کتاب الاختلاج، کتاب الفال، کتاب زجر الفرس، بهرام دخت، سیرت اردشیر، ستور پزشکی و بسیاری دیگر<sup>۲</sup>. بنابراین نثر عربی متأثر از پهلوی است و از سوی دیگر بسیاری از کتابهای فارسی از عربی ترجمه شده‌اند و بعضی دیگر از پهلوی به عربی و سپس از عربی به فارسی درآمده‌اند مانند کلیله و دمنه و سندباد نامه. از اینرو تأثیر پهلوی در عربی و عربی در فارسی انکارناپذیر است با این ترتیب فارسی دری به دو صورت از پهلوی متأثر است یکی تأثر مستقیم و از راه تحول زبان و ترجمه مستقیم از پهلوی به فارسی و بر اثر آنکه این دو زبان ایرانی هستند و دیگر تأثر

1. G. Lazard, la Langue de Plus Anciens Monuments de la Prose. Persane. p. 197

۱۹۶۳ چاپ پاریس.

برای دیدن شواهد بیشتر درباره مطابقه صفت و موصوف به کتاب لازار بند ۱۵۵ و ۱۵۶ نگاه کنید. ۲. تاریخ ادبیات در ایران، جلد اول، ص ۱۴۴، تألیف دکتر صفا.

غیرمستقیم و به وسیله ترجمه از عربی که خود متأثر از پهلوی است بنابراین به درستی معلوم نیست که بعضی از اصطلاحاتی که آوردیم تحت تأثیر ترجمه عربی به وجود آمده یا اینکه غیرمستقیم از پهلوی گرفته شده و یا اینکه ایرانیانی که به عربی کتاب و رساله می‌نوشته‌اند آن اصطلاحات را از فارسی به عربی ترجمه کرده‌اند مثلاً ما در پهلوی و فارسی دری قدیم «اندر زمان» و در عربی «فی الحال» و در فارسی دری «در حال» و «در وقت» داریم اکنون این سؤال پیش می‌آید که آیا «فی الحال» تحت تأثیر «اندر زمان» پهلوی به وجود آمده یا در خود عربی هم اصلاً چنین اصطلاحی وجود داشته است و سرانجام معلوم نیست که «در حال» ترجمه مع‌الواسطه از پهلوی است یا فقط ترجمه از عربی است و یا اصلاً ترکیبی است که ایرانیان تحت تأثیر اصطلاحاتی مانند «اندر زمان» ساخته‌اند. داوری در این باره آسان نیست.

#### تأثیر ترجمه از زبان‌های فرانسه و انگلیسی در زبان فارسی

تأثیر زبان‌های فرنگی در زبان فارسی مربوط به صد و پنجاه سال اخیر است که روابط سیاسی و فرهنگی و علمی ایران با ممالک مغرب زمین توسعه یافته است و نفوذ زبان و ادبیات غرب به ویژه زبان فرانسوی و انگلیسی در زبان فارسی رو به فزونی نهاده است و بسیاری از لغات و اصطلاحات فرنگی یا به عین لفظ و با تغییراتی وارد زبان ما شده مانند کمسیون، کمیته، شانس، کراوات، کت، والیبال، استکان، درشکه و یا ترجمه آنها در زبان ما رایج گردیده است مانند وحدت نظر، تبادل نظر، اتخاذ تدابیر لازم، ندای وجدان، تاج گل، نقطه نظر، دانشگاه، دانشکده، داسرا و صدها مانند آن<sup>۱</sup>.

در میان زبان‌های فرنگی در درجه اول زبان فرانسوی و پس از آن زبان انگلیسی، در فارسی نفوذ بیشتری داشته‌اند و کار ما در این مقاله بحث

۱. به واژه‌های نو فرهنگستان نگاه کنید.

دربارهٔ ویژگی‌های کلمات و تعبیرات و ساختمان‌های دستوری‌ای است که از این دو زبان ترجمه شده‌اند و قبلاً بدینسان در فارسی رایج نبوده‌اند. تأثیر ترجمه از انگلیسی و فرانسوی هم در واژگان فارسی بوده است و هم در دستور آن.

#### تأثیر ترجمه از زبان‌های انگلیسی و فرانسوی در واژگان فارسی

بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات ترجمه‌ای را فرهنگستان سابق وضع کرده است و به وسیلهٔ نشریات و واژه‌نامه‌ها در دسترس مردم قرار داده است از این قبیلند: باشگاه (Club)، بایگانی (Archive) باستان‌شناسی (Archéologie)، دانشکده (Faculté) و صدها نظیر آن.

بسیاری دیگر نیز به وسیلهٔ استادان، ترجمه‌گران و کارشناسان علوم و فنون که با زبان فرانسوی و انگلیسی آشنایی داشته‌اند به زبان فارسی برگردانده شده‌اند و گاه واژه‌نامه‌هایی از آنها ترتیب داده شده است.<sup>۱</sup>

خوشبختانه شمارهٔ این واژه‌نامه‌ها رو به فزونی است و بی‌گمان گردآوری این لغات و اصطلاحات و تعبیرات و گذاشتن آنها در معرض افکار عمومی و یافتن معادل مناسب برای آنها از کارهای لازم و مفید برای زبان فارسی است و نگارنده نیز بسیاری از لغات و تعبیرات ترجمه‌ای را که جنبهٔ فنی و تخصصی ندارند و در فرهنگ‌های یاد شده ضبط نشده‌اند و در نوشته‌های دیگر هم به نظر نرسیده‌اند گردآوری کرده است و قسمت کوچکی از آن را در مجلهٔ وحید (سال دوم شمارهٔ دوم و چهارم و پنجم و ششم، سال ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴) به چاپ رسانیده است ولی قسمت اعظم آن که در دو سه سال اخیر و از روی روزنامه‌ها و کتابهای انگلیسی در امریکا

۱. از آن جمله است:

مجموعهٔ اصطلاحات علمی، چاپ دانشگاه تهران. - فرهنگ حقوقی، تألیف جعفر لنگرودی. - فرهنگ بازرگانی، تألیف ن. راست. - فرهنگ فنی نفت، به انگلیسی، فرانسه، آلمانی و فارسی از جلال الدین توانا. - فرهنگ اصطلاحات کشاورزی، از ابوالحسن گنلی. - فرهنگ حقوق، از دکتر حسینقلی کاتبی.

تهیه شده باقی مانده است، متأسفانه حرف میم این اصطلاحات را یازده سال پیش به امر استاد معین در اختیار آن مرد بزرگ گذاشتم که در تنظیم فرهنگ فارسی آنها را به کار برد ولی از بد حادثه استاد برای مدت چند سال به حال اغما افتاد و سپس روی در نقاب خاک کشید و بعد از آن کسی نتوانست یادداشت‌های یاد شده را که بالغ بر چند صد برگه بود پیدا کند و به من بازگرداند و به این ترتیب این مجموعه ناقص ماند.

اصطلاحات و تعبیراتی که از زبان‌های اروپایی به فارسی ترجمه شده‌اند قلمرو وسیعی دارند و در تمام شئون علمی و فرهنگی و اجتماعی و آداب و رسوم ما نفوذ کرده‌اند. ما از این اصطلاحات هنگام نوشتن، روزنامه خواندن، تعارف کردن بسیار می‌بینیم و به کار می‌بریم: این اصطلاحات نه تنها در کتابهای علمی و فنی و ادبی و سیاسی و اجتماعی و اداری به فراوانی وجود دارند بلکه این تعبیرات در آثار ادبایی مانند اقبال، همایی، دکتر صفا و زرین‌کوب نیز دیده می‌شوند و ما اینک این تعبیرات را برحسب موضوع طبقه‌بندی می‌کنیم و از تعبیرات علمی و فنی و تخصصی فقط آنهایی را که در نثر عادی امروز رایج گردیده‌اند اینجا می‌آوریم.<sup>۱</sup>

#### ۱- اصطلاحات مربوط به تعارفات روزانه و آداب و رسوم اجتماعی:

|                            |      |                |
|----------------------------|------|----------------|
| Merci                      | (ا)  | متشکرم         |
| Thank you                  | (ا)  |                |
| Excuse me                  | (ا)  | ببخشید         |
| Excusez moi                | (فر) |                |
| Les profonds remerciements | (فر) | تشکرات عمیق    |
| My sincere thanks          | (ا)  | تشکرات صمیمانه |

۱. در این مقاله «ا» (الف) نشانه انگلیسی و «فر» علامت فرانسه است.

## تأثیر ترجمه در زبان فارسی ✧ ۲۲

|                      |      |                            |
|----------------------|------|----------------------------|
| Have a nice day      | (l)  | روز خوشی داشته باشید       |
| Sincerely            | (l)  | صمیمانه (فر)               |
| Kindly               | (l)  | لطفاً (فر)                 |
| Presentè à mon père  | (فر) | تقدیم به پدرم <sup>۱</sup> |
| Birth-day            | (l)  | زادروز                     |
| Birthdate            | (l)  | تاریخ تولد                 |
| Birth place          | (l)  | محل تولد                   |
| Bon voyage           | (فر) | سفر بخیر                   |
| Good night           | (l)  | شب بخیر                    |
| I am glad to see you |      | از دیدن شما خوشحالم        |
| I see you later      |      | بعداً شما را می بینم       |

## ۲- اصطلاحات مربوط به زندگی روزانه:

|                     |      |                    |
|---------------------|------|--------------------|
| The medium wave     |      | موج متوسط          |
| The fire department | (l)  | اداره آتش نشانی    |
| Arrêt interdit      | (فر) | توقف ممنوع         |
| Bus stop            | (l)  | ایستگاه اتوبوس     |
| The red light       | (l)  | چراغ قرمز راهنمایی |
| The green light     | (l)  | چراغ سبز راهنمایی  |
| The yellow light    | (l)  | چراغ زرد           |
| The hand bag        | (l)  | کیف دستی           |
| The grocery store   | (l)  | مغازه خواربارفروشی |
| Whole sale          | (l)  | عمده فروشی         |
| Public place        | (l)  | اماکن عمومی        |
| Medical care        | (l)  | مراقبت پزشکی       |

۱. این اصطلاح هنگامی به کار می رود که کسی کتابی را که نوشته است به کسی پیشکش می کند.

|                     |                 |                 |
|---------------------|-----------------|-----------------|
| Quel âge avez vous? | (فر)            | چند سال داری    |
| Current school year | (ل)             | سال تحصیلی جاری |
| School year         | (ل)             | سال تحصیلی      |
| University (ل)      | Université (فر) | دانشگاه         |
| Faculty (ل)         | Faculté (فر)    | دانشکده         |

اینک اصطلاحات رایج دیگر که از راه ترجمه وارد فارسی شده است:

|                                    |      |                         |
|------------------------------------|------|-------------------------|
| Over the telephone                 | (ل)  | پشت تلفن                |
| Loud speaker                       | (ل)  | بلندگو                  |
| Nom de famille                     | (فر) | نام خانوادگی            |
| The first name                     | (ل)  | اسم اول                 |
| Petit nom                          | (فر) | اسم کوچک                |
| Account number                     |      | شماره حساب              |
| The Red Cross                      |      | صلیب سرخ                |
| Assuring you of our highest esteem |      | با تقدیم احترامات فائقه |
| Blanck cheque                      | (ل)  | چک سفید                 |
| Heir soir                          | (فر) | دیروز عصر               |
| Space ship                         |      | سفینه فضایی             |
| Wonderful day                      |      | روز عالی                |

و از این قبیل است: قایق باری، سلام گرم، زنگ اخبار، قطار مسافربری، هواپیمای مسافربری، وقت او محدود است، زیبایی‌های طبیعت، مناظر عالی، حق چاپ محفوظ، جمیع حقوق طبع محفوظ، مشروبات الکلی، وقت پیدا کردن، کوی دانشگاه، ویزای خروج، کشتی اقیانوس پیمای.

۳- بسیاری از اصطلاحات شاعرانه و ادبی و هنری معاصر ترجمه از فرانسه یا انگلیسی است:

|                 |                |          |
|-----------------|----------------|----------|
| Modern poetry   |                | شعر نو   |
| Vers libre (فر) | Free verse (ل) | شعر آزاد |

|                             |                          |
|-----------------------------|--------------------------|
| Vers blanc                  | شعر سفید                 |
| The essence of poetry       | جوهر شعر                 |
| Art for Art's sake          | هنر برای هنر             |
| Recueil des poésie          | مجموعه شعر               |
| Message poétique            | پیام شاعرانه             |
| Innovation                  | نوآوری                   |
| La poème épique             | شعر حماسی                |
| La poème lyrique            | شعر غنایی                |
| L'épopée nationale          | حماسه ملی                |
| A work of literature        | کار ادبی، اثر ادبی       |
| Des oeuvres d'art           | کارهای هنری              |
| Poet's experience           | تجربه شاعر، آزمایش شاعر  |
| Les productions litteraires | محصولات ادبی             |
| Contenent                   | محتوی                    |
| Form                        | قالب، شکل                |
| Les oeuvres littéraires     | آثار ادبی                |
| La création littéraire      | آفرینش ادبی، خلاقیت ادبی |
| Le roman d'amour            | داستان عشقی              |
| Le roman policier           | داستان پلیسی             |
| Le héros de roman           | قهرمان داستان            |
| Le héros fabuleux           | قهرمان افسانه‌ای         |
| و از این قبیلند:            |                          |

کمدی الهی، عشق آتشین، عشق افلاطونی، زیبایی طبیعی و ده‌ها مانند آن.

#### ۴- اصطلاحات علمی و فنی:

این گونه اصطلاحات خود اقسامی دارند: یکی اصطلاحات علمی

محض مانند اصطلاحات شیمیایی و فیزیکی و ریاضی و طبی و غیره و دیگر اصطلاحات و تعبیرات مربوط به علوم انسانی مانند اصطلاحات روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصادی، سیاسی، اداری که بیشتر از اصطلاحات دیگر بین مردم رایج شده‌اند و بسیاری از آنها به صورت اصطلاحات روزانه و روزنامه‌ای درآمده‌اند.

#### الف - مثال برای اصطلاحات اداری:

|                            |      |                      |
|----------------------------|------|----------------------|
| Assuming responsibility    | (I)  | به عهده گرفتن        |
| Assumer un responsabilité  | (فر) | مسئولیت              |
| Directeur Général          | (فر) | مدیر کل              |
| Director General           | (I)  |                      |
| To express dissatisfaction | (I)  | اظهار عدم رضایت کردن |
| Administration Générale    | (فر) | اداره کل             |

#### ب - مثال برای اصطلاحات فلسفی:

|                         |      |            |
|-------------------------|------|------------|
| La nécessité logique    | (فر) | لزوم منطقی |
| The logical necessity   | (I)  |            |
| The reason of existence |      | علت وجودی  |

#### ج - مثال برای اصطلاحات روان‌شناسی:

|                     |  |                    |
|---------------------|--|--------------------|
| Uncconscious mind   |  | ضمیر ناخودآگاه     |
| Inferiority complex |  | عقدۀ حقارت         |
| Mental imbalance    |  | عدم تعادل روحی     |
| Trial and error     |  | آزمایش و خطا       |
| Social psychology   |  | روان‌شناسی اجتماعی |

و از این قبیل است: تداعی معانی، تداعی آزاد، انعکاس شرطی، حرکات ارادی، حرکات غریزی، محرک، پاسخ و صدها مانند آن.

د - مثال برای اصطلاحات زیست‌شناسی:

|                        |             |
|------------------------|-------------|
| Struggle for existence | تنارع بقا   |
| Missing link           | حلقه مفقوده |
| Colonne de vertebrale  | ستون فقرات  |
| Poisson scie           | اره ماهی    |

ه - مثال برای اصطلاحات فیزیکی رایج:

|                     |                |
|---------------------|----------------|
| A test tube         | لوله آزمایش    |
| Poid net            | وزن خالص       |
| Le champ magnétique | میدان مغناطیسی |

و - مثال برای اصطلاحات ریاضی رایج:

|                   |              |
|-------------------|--------------|
| Square millimeter | میلیمتر مربع |
| Square meter      | متر مربع     |

ز - مثال برای اصطلاحات عام علمی و فنی و غیر تخصصی رایج:

|                        |              |
|------------------------|--------------|
| Scientific technique   | تکنیک علمی   |
| Academy of Sciences    | آکادمی علوم  |
| Entasser des matériaux | گردآوری مواد |

ح - مثال برای اصطلاحات نظامی:

|                                |              |
|--------------------------------|--------------|
| Un regiment entier             | یک هنگ کامل  |
| Military unit یا Armoured unit | واحد نظامی   |
| Border incident                | برخورد مرزی  |
| Counter attack                 | حمله متقابل  |
| Cease-fire line                | خط آتش بس    |
| Armed forces                   | نیروهای مسلح |
| Tank column                    | ستون تانک    |
| The hand grenade               | نارنجک دستی  |

|                        |               |
|------------------------|---------------|
| A heavy toll           | تلفات سنگین   |
| Military confrontation | برخورد نظامی  |
| The war of attrition   |               |
| The attrition-war      | جنگ فرسایشی   |
| Nuclear arsenal        | زرادخانه اتمی |

از این قبیل است: ستون منظم، تخلیه سرزمین‌های اشغالی، برطرف کردن محاصره، فشار نظامی، ستون‌های مسلح، شکست قطعی، افسر جزء، زیر دریایی، موشک اتمی، موشک زمین به زمین، موشک هواپرد، منطقه بی طرف، آماده باش، آماده باش نظامی، نقشه جنگی، منابع نظامی و بسیاری دیگر.

#### ط - مثال برای اصطلاحات حقوقی:

|                                |                 |
|--------------------------------|-----------------|
| The party to the crime         | شریک جرم        |
| The illegal procedure          | اقدام غیرقانونی |
| A trial run                    | جریان محاکمه    |
| The legitimate rights          | حقوق قانونی     |
| suspension order یا stay order | حکم تعلیق       |

#### ی - مثال برای اصطلاحات اقتصادی ترجمه‌ای:

|                                               |                 |
|-----------------------------------------------|-----------------|
| Free market                                   | بازار آزاد      |
| Monetary policy                               | سیاست پولی      |
| Financial help                                | کمک مالی        |
| Economic crisis                               | بحران اقتصادی   |
| Bank of commerce                              | بانک بازرگانی   |
| The living standard یا The standard of living | سطح زندگی       |
| The balance of payment                        | تبادل پرداخت‌ها |
| The savings account                           | حساب پس انداز   |

|                    |               |
|--------------------|---------------|
| The fiscal year    | سال مالی      |
| Net worth          | سود خالص      |
| The prices control | کنترل قیمت‌ها |
| Surplus value      | ارزش اضافی    |

اینک چند اصطلاح سیاسی ترجمه‌ای که در روزنامه‌های فارسی هم فراوان به کار می‌رود:

|                            |                      |
|----------------------------|----------------------|
| The peace among nations    | صلح بین ملت‌ها       |
| Peaceful coexistence (ا)   | همزیستی مسالمت‌آمیز  |
| coexistence pacifique (فر) |                      |
| Rightist                   | راست‌گرا - دست راستی |
| Leftist                    | چپ‌گرا - دست چپی     |
| Right wing                 | جناح راست            |
| Left wing                  | جناح چپ              |
| The liberation front       | جبهه آزادی           |
| Political prisoner         | زندانی سیاسی         |
| Nonaligned nations         | کشورهای غیر متعهد    |
| The secessionist movement  | جنبش تجزیه طلبانه    |
| Coalition government       | حکومت ائتلافی        |
| Rebel troops               | دسته‌های شورشی       |
| National interest          | منافع ملی            |
| The general strike         | اعتصاب عمومی         |
| Break the strike           | شکستن اعتصاب         |
| Close vote                 | رای مخفی             |
| Les milieux sociaux        | محافل اجتماعی        |
| Des grandes puissances     | قدرت‌های بزرگ        |

و از این قبیل‌اند: از دست دادن استقلال، بعد از انقلاب، پشتیبانی

عمومی، برادری برابری آزادی، اصلاحات اجتماعی، پیروزی انتخاباتی، لغو امتیازات، خیانت به میهن، خود مختاری و صدها اصطلاح دیگر.

اینک چند اصطلاح سیاسی دیگر:

|                                 |                          |
|---------------------------------|--------------------------|
| Super structure                 | روینا                    |
| Class struggle                  | مبارزه طبقاتی            |
| Progressive forces              | نیروهای ترقیخواه         |
| Exploiting classes              | طبقات استثمارگر          |
| British imperialism             | امپریالیسم بریتانیا      |
| Labor camp                      | اردوی کار                |
| Circles of imperialist reaction | محافل ارتجاع امپریالیستی |
| Exporing revolution             | صدور انقلاب              |
| Under ground journal            | روزنامه زیرزمینی         |
| Counter revolutionary           | ضد انقلاب                |
| Class consciousness             | شعور طبقاتی              |
| Historical materialism          | ماتریالیسم تاریخی        |
| Dialectical materialism         | ماتریالیسم دیالکتیک      |
| La classe dirigeante            | طبقه حاکمه (فر)          |
| The ruling class                | (ا)                      |

ک - اصطلاحات جغرافیایی:

|                                   |                                |
|-----------------------------------|--------------------------------|
| Red Sea                           | دریای سرخ                      |
| Earth orbit                       | مدار زمین                      |
| To put satellite into earth orbit | قرار دادن ماهواره در مدار زمین |
| Moyen orient (فر)                 | خاورمیانه                      |
| Middle east (ا)                   |                                |
| Fxtreme orient (فر)               | خاور دور                       |

|                                                                                                                                                                             |      |                     |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|---------------------|
| Far east                                                                                                                                                                    | (l)  |                     |
| Proche orient                                                                                                                                                               | (فر) | خاور نزدیک          |
| Near east                                                                                                                                                                   | (l)  |                     |
| The union of socialist soviet republics                                                                                                                                     | (l)  | اتحاد جماهیر شوروی  |
| Union sovietique                                                                                                                                                            | (فر) | اتحاد شوروی         |
| The soviet union                                                                                                                                                            | (l)  |                     |
| Cape of good hope                                                                                                                                                           |      | دماغه امید نیک      |
| Common wealth countries                                                                                                                                                     |      | ممالک مشترک المنافع |
| Trans-caucasia                                                                                                                                                              |      | ماوراء قفقاز        |
| و از این قبیل است امریکای شمالی، آمریکای جنوبی، آسیای جنوب شرقی، آمریکای مرکزی، اقیانوس اطلس، اقیانوس هند، اقیانوس کبیر، اقیانوس آرام، قطب شمال، قطب جنوب و ده‌ها مانند آن. |      |                     |

#### ل - اصطلاحات تاریخی:

|                                    |      |                         |
|------------------------------------|------|-------------------------|
| War of independence                |      | جنگ استقلال (در امریکا) |
| La guerre mondiale                 | (فر) | جنگ جهانی               |
| World war                          | (l)  |                         |
| La seconde guerre mondiale         | (فر) | جنگ جهانی دوم           |
| The first world war                | (l)  | جنگ جهانی اول           |
| La première guerre mondiale        | (فر) |                         |
| The civil war                      | (l)  | جنگ داخلی               |
| La guerre civile                   | (فر) |                         |
| Last decade                        |      | دهه اخیر                |
| In recent years                    |      | در سال‌های اخیر         |
| Historical precedents              |      | سوابق تاریخی            |
| The first two christian centuries  |      | دو قرن اول میلادی       |
| The Achemenian period              |      | دوره هخامنشی            |
| La première moitié du XVIIe siècle |      | نیمه اول قرن هفدهم      |

|                                   |                 |
|-----------------------------------|-----------------|
| Personnage historique             | شخصیت تاریخی    |
| Les gloires nationales            | افتخارات ملی    |
| La situation historique           | موقعیت تاریخی   |
| Le tombeau du soldat inconnu (فر) | قبر سرباز گمنام |
| Le soldat inconnu (فر)            | سرباز گمنام     |
| The unknown soldier (ا)           |                 |

۵- بسیاری از تعبیرات و اصطلاحات ترجمه‌ای که از غرب آمده‌اند اختصاص به علم و فن خاصی ندارند و در هیچ فرهنگ مصطلحاتی دیده نمی‌شوند و نگارنده هزاران برگه از این اصطلاحات را گردآوری کرده است و اهمیت اینها بیش از اصطلاحات علمی و فنی است زیرا آنها را می‌توان در کتابهای تخصصی هم پیدا کرد اما اینها چنین نیستند. اینک چند نمونه از این اصطلاحات:

|                                   |                    |
|-----------------------------------|--------------------|
| Suitable reply                    | پاسخ مناسب         |
| The near future                   | آینده نزدیک        |
| Different levels                  | سطوح مختلف         |
| At all levels                     | در تمام سطوح       |
| The peace of mind                 | آرامش روحی         |
| To feel sure                      | احساس اطمینان کردن |
| Under study                       | تحت مطالعه         |
| En second lieu (فر)               | در درجه دوم        |
| Le sens limité یا Le sens étreint | معنی محدود         |
| Le sens étendu                    | معنی وسیع          |

و بسیاری از گروه‌های فعلی و اضافی ترجمه‌ای که در این مقاله به آنها اشاره کرده‌ایم از این قبیل‌اند مانند: اظهار امید کردن، ابراز احساسات کردن، ابراز یأس کردن، ابراز اشتیاق کردن و صدها مانند آن.

۶- بعضی از جمله‌هایی که امروز به کار می‌روند به نظر می‌رسد از فرنگی ترجمه شده باشند:

|                                                   |                                                                                       |
|---------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------|
| I have an idea                                    | من یک پیشنهاد دارم                                                                    |
| The danger is past                                | خطر از سر ما گذشته است                                                                |
| Aussi n'est-il pas inutile                        | خالی از فایده نیست                                                                    |
| It is clear that                                  | واضح است که... بدیهی است که (ا)                                                       |
| Il est clair que                                  | (فر)                                                                                  |
| That is quite natural                             | این کاملاً طبیعی است                                                                  |
| There is no obstacle to this                      | مانعی نیست، هیچ مانعی ندارد                                                           |
| You are allowed                                   | شما اجازه دارید، شما مجازید                                                           |
| No evidence existed                               | مدرکی وجود نداشت                                                                      |
| He has no reason                                  | هیچ دلیلی در دست ندارد                                                                |
| His time is limited                               | وقت او محدود است                                                                      |
| As we have said                                   | به طوری که گفتیم                                                                      |
| What can I do for you                             | چه کاری برای شما می‌توانم انجام دهم                                                   |
| No trace of him has been found                    | از او اثری در دست نیست - از او اثری پیدا نشده است                                     |
| There is just one thing                           | فقط یک موضوع هست، فقط یک چیز وجود دارد، تنها یک چیز باقی می‌ماند                      |
| If I remember correctly                           | اگر درست به خاطر بیاورم                                                               |
| I don't remember                                  | به خاطر نمی‌آورم، به یاد نمی‌آورم که فارسی اصل آن «یادم نیست»، و «فراموش کرده‌ام» است |
| It is indicative of the productivity of this verb | نشان دهنده این است که...                                                              |
| It is in good condition                           | در شرایط خوبی است، در وضع خوبی است                                                    |
| My time is occupied                               | وقت من اشغال شده است                                                                  |
| It takes a lot of time                            | این کار وقت زیادی می‌گیرد                                                             |

۷- مجازها و تعبیرات ادبی ترجمه‌ای:

بسیاری از تعبیرات ادبی جنبه مجازی و استعاره‌ای و ادبی دارند و ورود

آنها به زبان ما موجب غنی شدن جنبه‌های ادبی زبان فارسی نیز شده است  
از این قبیل اند:

|                                     |                           |
|-------------------------------------|---------------------------|
| The face of future                  | چهره آینده                |
| The wave of indignation and disgust | موج نفرت و اعتراض         |
| The wheel of history                | چرخ تاریخ                 |
| To break up the demonstration       | در هم شکستن تظاهر است     |
| Through diplomatic channels         | از مجراهای سیاسی          |
| People ranks                        | صفوف مردم                 |
| Giantic                             | غول آسا                   |
| Deep interest                       | علاقه عمیق                |
| Warm relations                      | روابط گرم                 |
| To be plunged into a serious crisis | غوطه ور شدن در بحرانی جدی |
| To open fire                        | آتش گشودن                 |
| A regim of terror                   | حکومت وحشت                |
| The glorious death                  | مرگ افتخار آمیز           |
| Nature's greatest masterpiece       | بزرگ‌ترین شاهکار طبیعت    |
| The balance of terror               | تعال وحشت                 |
| Open min                            | فکر باز                   |
| The world scene                     | صحنه جهانی                |
| Nourrir votre esprit                | تغذیه روح                 |
| La liste noire                      | لیست سیاه                 |
| Siècle d'or                         | قرن طلایی                 |
| Un coup fatal                       | ضربه نهایی                |
| Passion ardente                     | عشق آتشین                 |
| Sensibilité blessé                  | احساسات جریحه دار شده     |
| Eveiller un sentiment               | بیدار کردن احساسات        |
| Figure humaine                      | چهره انسانی               |

|                          |                               |
|--------------------------|-------------------------------|
| L'esprit du temps        | روح زمان                      |
| Monumental               | خاطره انگیز                   |
| L'aube de l'espérance    | صبح امید                      |
| The scene of battle      | صحنه نبرد                     |
| The wave of denunciation | موج اعتراض                    |
| To kneel before          | زانو زدن در مقابل (تسلیم شدن) |

و از این قبیل اند، مثل قارچ روییدن، در نطفه خفه کردن، شکستن بن‌بست، شکستن سکوت، جناح راست، جناح چپ، روح پیمان، کلید پیروزی، در پشت صحنه، زندگی سیاسی، زندگی علمی، نامه سرگشاده، به دیدار مرگ شتافتن، انفجار جمعیت، حقیقت وحشتناک، روشن کردن افکار، احساس امنیت، موسیقی ملایم، خواب طلایی، موج اعتصاب، حوادث قهرمانی و صدها مانند آن.

#### تأثیر دستوری ترجمه از فرانسه و انگلیسی در فارسی

تأثیر ترجمه در واژگان زبان به مراتب بیشتر از تأثیر در ساختمان دستوری آن است زیرا ساختمان دستوری ستون فقرات زبان است و به سختی تغییر می‌کند. با این حال ترجمه گاهی در ساختمان دستوری زبان نیز تأثیر می‌کند و این تأثیر یا به صورت ظهور عناصر و اشکال تازه دستوری است و یا به شکل رواج صورت‌های نادر و کم استعمال زبان است و ما اکنون تأثیر دستوری زبان‌های فرانسه و انگلیسی را در فارسی بررسی می‌کنیم:

#### ظهور عناصر و اشکال تازه دستوری تحت تأثیر ترجمه

این گونه عناصر عبارتند از:

- ۱- عدد کسری ترجمه‌ای - قبل از آشنایی ما با زبان‌های غربی عده‌های کسری را از ترکیب یک عدد اصلی با یک می ساختیم مانند: چهار یک، پنج

یک و غیره ولی تحت تأثیر ترجمه نوع تازه‌ای عدد کسری وارد زبان ما شده است که از ترکیب یک عدد اصلی و یک عدد ترتیبی به وجود می‌آید مانند:

|                   |      |               |     |          |
|-------------------|------|---------------|-----|----------|
| Un deuxième       | (فر) | One half      | (ا) | یک دوم   |
| Un quatrième      | (فر) | One forth     | (ا) | یک چهارم |
| Le troise dixième |      |               |     | سه دهم   |
| Le trois septième | (فر) | Three seventh |     | سه هفتم  |

۲ - پیدا شدن شبه پیشوندها - چون در زبان ما پیشوند کم است و در زبان‌های غربی بیش از فارسی است بسیاری از کلمات پیشوندی بیگانه با اسم‌ها یا عناصری ترجمه شده‌اند که بر اثر کثرت استعمال بدل به عنصر دستوری گردیده و ما آنها را شبه پیشوند نامیده‌ایم بعضی از اینها در قدیم هم به عنوان عنصر دستوری بوده‌اند مانند «غیر» ولی بعضی دیگر چنین نیستند و عناصر اخیر عبارتند از:

الف - عدم. برای ترجمه اسم‌هایی که دارای پیشوند نفی هستند یعنی پیشوندهایی از قبیل:

“in”, “il”, “ir”, “mé”, “des”, “im”

این گونه پیشوندها با عدم و بی و نا ترجمه شده‌اند اما چون «بی» و «نا» از قدیم عنصر دستوری بوده‌اند حالا مورد بحث ما نیستند ولی ظهور «عدم» در فارسی معاصر به عنوان عنصر دستوری تازگی دارد:

|                  |      |                        |
|------------------|------|------------------------|
| Incompetence     | (فر) | عدم صلاحیت             |
| Irresponsabilité | (فر) | عدم مسئولیت            |
| Incertitude      |      | عدم اطمینان            |
| Insuccès         |      | عدم موفقیت             |
| Disproportion    |      | عدم تناسب              |
| Mécontentement   |      | عدم رضایت <sup>۱</sup> |

۱. رضایت غلط مشهور است به این سبب اخیراً ادبا به جای عدم رضایت «نارضایی» به کار می‌برند.

مثال برای ترجمه پیشوندهای نفی اسمی بابی و نا:

Insuffisance نارسایی

Indiscipline بی انضباط

ب - فاقد و خلاف و ضد. برای ترجمه صفاتی که دارای پیشوندهای نفی هستند پیشوندهایی از قبیل Anti و آنچه قبلاً دیدیم. البته «غیر» به عنوان عنصر دستوری از قدیم بوده است و ظهور «فاقد» و «ضد» و «خلاف» به عنوان عنصر دستوری صفت ساز گویا تازگی دارد مثال:

Incompétent فاقد صلاحیت

Immorale خلاف اخلاق

Antilogique خلاف منطق

Illegal, Antilegal خلاف قانون

Antinational ضد ملی

Anticolonialiste (فر) ضد استعمار

Anticomuniste (فر) ضد کمونیست

ج - بلا. این گونه واژه‌ها گاهی با «بلا» ترجمه می‌شوند که گویا در قدیم هم به عنوان شبه پیشوند به کار می‌رفته است:

Inexécuté بلا اجرا

Inconditionné بلا شرط

د - قابل. قابل برای ترجمه صفاتی به کار رفته است که آخر آنها پسوندهای «Ible», «Able» است مانند:

Imprimable قابل چاپ

Considérable قابل ملاحظه

Acceptable قابل قبول

Profitable قابل استفاده

این گونه واژه‌ها گاهی با «پذیر» ترجمه می‌شوند و گاهی نیز با «قابل» و «پذیر» هر دو:

قابل اجتناب، اجتناب‌پذیر      Evitable

تحمل‌پذیر و قابل تحمل      Supportable

بنابراین «پذیر» که ریشه فعل است امروز تحت تأثیر ترجمه رواج یافته و به صورت شبه پسوند درآمده است. قابل در قدیم هم به ندرت به صورت شبه پیشوند آمده است مانند:

وضع زمانه قابل دیدن دوبار نیست

روپس نکرد هر که از این خاکدان گذشت [کیم]

بنابراین رواج «قابل» به عنوان شبه پیشوند مربوط به دوران ما و تحت تأثیر ترجمه است.

هـ- غیر قابل. این ترکیب نیز تحت تأثیر ترجمه به صورت شبه پیشوند و به شکل عنصر دستوری بکار رفته است و این عنصر نیز کاملاً تازگی دارد و استعمال آن در قدیم به نظر نگارنده نرسیده است. «غیر قابل» برای ترجمه صفات منفی‌ای به کار می‌رود که باپسوندهای یاد شده (Ible, Able) ختم می‌شوند. این گونه صفات گاهی با «ناپذیر» نیز ترجمه می‌شوند و گاهی هم به هر دو صورت ترجمه می‌گردند مانند:

غیر قابل قبول      Inacceptable

غیر قابل دفاع      Indeffendable

غیر قابل پیش‌بینی      Imprévisible

غیر قابل اجتناب، اجتناب‌ناپذیر      Inévitable

غیر قابل نفوذ، نفوذناپذیر      Inpénétrable

و- «ناپذیر». برخلاف قیاس صرفی و مغایر ساختمان فارسی است زیرا در زبان ما معمولاً پیشوند «نا» بر سر ریشه فعلی مستقلاً به کار نمی‌رود مثلاً نمی‌توان گفت ناجو، نابر، ناخور زیرا «نا» بیشتر بر سر صفت می‌آید مانند «نامراد»، «ناجوانمرد» و غیره. «نا» تنها بر سر بعضی از ریشه‌های فعل که به تنهایی نیز به کار می‌روند می‌آید مانند: ناساز و ناکام و غیره. «نا» در قدیم بر سر بعضی از صفاتی که با ریشه فعل ساخته می‌شده‌اند نیز می‌آمده

است و کلماتی به وجود می آورده است مانند: «نادلپذیر»، «نادلپسند» و «نادلروز» اینک چند مثال از لغتنامه دهخدا:

بدو گفت طوس ای سپهدار پیر  
چه گویی سخن های نادلپذیر [فردوسی]

تو بند وی را سر به آغوش گیر  
مگو هیچ گفتار نادلپذیر [فردوسی]

سهی سرو تورا بالا بلند است  
به بالاتر شدن نادلپسند است [نظامی]

جهان گرچه زیر کمند آمدش  
نکرد آنچه نادلپسند آمدش [نظامی]

از آن سخت پیغام نادلروز  
بند هوش او مانده تا چند روز [یوسف وزلیخا]

بنابراین می توان گفت شبه پسوند «ناپذیر» ترکیب جدیدی است و در فارسی قدیم سابقه ندارد و اخیراً برخلاف قیاس ساخته شده است و به احتمال قوی تحت تأثیر ترجمه به وجود آمده است و صورت قیاسی ترکیباتی که با این جزء ساخته می شوند باید چنین باشد:

|               |        |               |
|---------------|--------|---------------|
| نااجتناب پذیر | به جای | اجتناب ناپذیر |
| نااصلاح پذیر  | به جای | اصلاح ناپذیر  |
| نانفوذ پذیر   | به جای | نفوذ ناپذیر   |
| ناشکست پذیر   | به جای | شکست ناپذیر   |
| ناتحمل پذیر   | به جای | تحمل ناپذیر   |

ولی حالاکه «ناپذیر» به عنوان شبه پسوند رایج و پذیرفته شده است و از زیبایی نیز بی بهره نیست اگرچه به صورت غلطی است می توان آن را به عنوان غلط مشهور بکار برد مانند ده ها غلط مشهور دیگر.

ز - تجدید. این شبه پیشوند ترجمه «Re» فرانسه و انگلیسی است مانند:

|              |               |
|--------------|---------------|
| Revision     | تجدیدنظر      |
| Revisioniste | تجدیدنظر طلب  |
| Renéssance   | تجدید حیات    |
| Rearmement   | تجدید تسلیحات |
| Ré-election  | تجدید انتخاب  |

و از این قبیل است تجدید قوا، تجدید چاپ، تجدید ساختمان، تجدید اشتراک.

یادآوری - گاهی Re با «عکس» یا «وا» ترجمه شده است مانند:

|             |                    |
|-------------|--------------------|
| Réaction    | عکس العمل یا واکنش |
| Repression  | (ا) واپس زدگی      |
| Refoulement | (فر)               |

پسوند Re را بهتر است با «باز» یا «دوباره» یا «وا» ترجمه کنیم مانند: «بازنگری» به جای «تجدیدنظر» و «واکنش» و «بازسازی».

ح - مجدد. گاهی Re با «مجدد» ترجمه شده است که به صورت صفت پسین بکار رفته است مانند:

|              |                     |
|--------------|---------------------|
| Reformer     | تشکیل مجدد (کابینه) |
| Réexpedition | ارسال مجدد          |

ط - اعاده. گاهی نیز «Re» با اعاده ترجمه شده است مانند:

|            |             |
|------------|-------------|
| Rehabilité | اعاده حیثیت |
|------------|-------------|

۳ - افزایش شدت افزاها - کلماتی مانند بسیار، خیلی، آن همه، چنین و مانند آنها را وقتی صفت یا قیدی را مقید سازد قید شدت افزا<sup>۱</sup> می‌گوییم اینگونه قیود در فارسی مشخص و معینند و نگارنده آنها را در دستور امروز (صص ۷۷ و ۷۸) نوشته است ولی تحت تأثیر ترجمه فرنگی تعداد دیگری از این قیود وارد فارسی شده است که صفت یا قید را مقید

1. Intensifier

می سازند از آن جمله است:

نسبتاً، به اصطلاح، عمیقاً، کاملاً، صرفاً که البته همه اینها شدت افزا نیستند (مانند به اصطلاح) ولی چون نقش دستوری شدت افزاها را دارند ما آنها را در اینجا آوردیم:

|                            |                     |
|----------------------------|---------------------|
| Fully independent          | کاملاً مستقل        |
| Quite serious              | کاملاً جدی          |
| Purely یا Merely political | صرفاً سیاسی         |
| Relativement limité        | نسبتاً محدود        |
| Relatively calm            | نسبتاً آرام         |
| Deeply satisfied           | عمیقاً خشنود        |
| So-called democratic       | به اصطلاح دموکراتیک |

۴ - بسیاری از کلمات عربی که در آن زبان بکار نمی روند تحت تأثیر ترجمه فرنگی به وسیله ایرانیان یا ترکان عثمانی ساخته شده و وارد زبان ما گردیده اند از آن جمله است:

|               |        |
|---------------|--------|
| Occupation    | اشغال  |
| Concentration | تمرکز  |
| Deleguer      | اعزام  |
| Forcene       | سبعانه |
| Legisl atif   | مقننه  |

بسیاری از قیده‌های تنوین دار تحت تأثیر ترجمه به وسیله ما ساخته شده است که در قدیم در عربی مورد استعمالی نداشته است مانند:

|              |      |          |
|--------------|------|----------|
| Deeply       | (l)  |          |
| Profondement | (فر) | عمیقاً   |
| Directement  | (فر) | مستقیماً |
| Directly     | (l)  |          |
| Certainement | (فر) | مطمئناً  |

|                    |      |        |
|--------------------|------|--------|
| Surly یا Certainly | (ا)  |        |
| Necessairement     | (فر) | لزوماً |
| Necessarily        | (ا)  |        |
| Quite              | (فر) | کاملاً |
| Complettement      | (ا)  |        |
| Dernièrement       | (فر) | اخيراً |
| Recently           | (ا)  |        |

و همچنین است استثناً، منطقاً، مشترکاً، و ده‌ها مانند آن.

★ ★ ★

بسیاری از ترکیبات عربی تحت تأثیر ترجمه به وجود آمده‌اند و در فارسی بکار رفته‌اند مانند:

|                      |      |                    |
|----------------------|------|--------------------|
| Extraordinaire       | (فر) | فوق‌العاده         |
| Difficile à realiser | (فر) | صعب‌الحصول         |
| Intellectuelle       |      | منورالفکر، روشنفکر |

★ ★ ★

۵- گروه‌های پیوندی تازه - بسیاری از گروه‌های پیوندی فارسی تازه به وجود آمده‌اند و ترجمه گروه‌های پیوندی فرنگی هستند از این قبیل‌اند:

|                                |                           |
|--------------------------------|---------------------------|
| Supposé que یا A supposer      | به تصور اینکه             |
| Au moment que                  | از لحظه‌ای که             |
| Au cas que                     | در موردی که - در صورتی که |
| De façon que یا De manière que | به طریقی که               |
| De sorte que                   | به نحوی که                |
| De peur que یا Dq crainte que  | از ترس اینکه              |
| Plus que , Outre que           | علاوه بر اینکه            |
| En même temps que              | در عین حال که             |

|                          |                  |
|--------------------------|------------------|
| Selon que یا Suivant que | برحسب اینکه      |
| Sauf que یا Excépte que  | به استثنای اینکه |
| Quand même               | حتی وقتی که      |
| Vue que                  | از نظر اینکه     |
| In the hope that         | به امید اینکه    |

#### رواج بعضی از عناصر دستوری تحت تأثیر ترجمه

تحت تأثیر ترجمه برخی از عناصر دستوری که در سابق بوده اند رواج بیشتری یافته اند از آن جمله اند: فعل مجهول، فعل مستقبل، مطابقه فعل با مسندالیه غیر ذیروح، گروه های طولانی، عددهای جمع (مانند صدها و هزارها و ده ها)، استعمال عدد اصلی به جای عدد ترتیبی، تجددهایی در قواعد جمع و اسم جمع.

همچنین این عناصر دستوری تحت تأثیر ترجمه به صورت شبه پسوند و شبه پیشوند رواج بیشتری یافته اند غیر، آمیز، انگیز، پذیر، شناسی، پیش، قبل، تنوین، دو، چند، کثیر، نیم، نیمه، هم، شبه، سوء و به طور، از لحاظ و غیره.

اینک مثال برای این موارد:

۱ - در فارسی معنی فعل مجهول به دو صورت بیان می شود یکی به وسیله فعل شبه مجهول مانند گفته اند، آورده اند، زدند در جمله هایی از قبیل او را زدند، به او گفته اند. این نوع فعل تنها صورت فعل مجهول در زبان گفتار است و در نوشتار نیز مورد استعمال فراوانی دارد. دیگر به وسیله فعل مجهول که در زبان گفتار رایج نیست و فقط در زبان نوشتن به کار می رود ولی چون در زبان های فرانسوی و انگلیسی فعل مجهول بسیار است در زبان ما نیز تأثیر کرده و تحت تأثیر زبان های یاد شده در فارسی هم استعمال فعل مجهول رو به فزونی نهاده است مانند:

|                 |                |
|-----------------|----------------|
| They are called | نامیده می شوند |
|-----------------|----------------|

فعل های مجهول فرنگی گاهی در فارسی با فعل مجهول کوتاه یعنی فعل مجهول مرکب یا شبه مرکبی که اسم مفعول آن حذف شده است ترجمه شده اند:

To be signed امضاء شدن (به جای امضاء کرده شدن)

To be carried out انجام شدن (به جای انجام داده شدن)

To be planned طرح ریزی شدن (به جای طرح ریزی کرده شدن)

در فارسی امروز تحت تأثیر ترجمه نوعی دیگر فعل مجهول که به صورت گروه فعلی است به وجود آمده است. این نوع فعل از ترکیب «مورد» و «قرار گرفتن» یا «واقع شدن» به وجود می آید و این در وقتی است که فعل متعدی است اما به جای مفعول رایی مفعول بایی یا مفعولی غیر از آن دارد مانند حمله کردن، انتقاد کردن، اعتراض کردن که مجهول شان می شود مورد حمله قرار گرفتن، مورد اعتراض قرار گرفتن، مورد انتقاد واقع شدن و مانند آنها. مثال:

Etre attaqué مورد حمله قرار گرفتن (فر)

To be attacked (I)

To be protested مورد اعتراض واقع شدن (I)

Etre protesté (فر)

۲- امروز تحت تأثیر ترجمه، نوعی اسم جمع وارد فارسی شده است که «ات» عربی به آخر آن ملحق می شود این اسم های جمع ترجمه کلمات مفرد فرنگی است و عبارتند از:

Exportation صادرات

Importation واردات

Propaganda تبلیغات (I)

Propagande (فر)

Press مطبوعات (I)

La Presse (فر)

Manifestation تظاهرات

|              |          |
|--------------|----------|
| Reform       | اصلاحات  |
| Election     | انتخابات |
| L'aperçu     | ملاحظات  |
| Disposition  | مقررات   |
| Organisation | تشکیلات  |

۳ - دیگر از تأثیرات ترجمه رواج گروه‌های اسمی طولانی در زبان ماست مانند:

«افزایش شکاف بین کشورهای غنی و فقیر» که ترجمه‌ای است از

The growing gap between the rich and poor

۴ - استعمال عدد اصلی به جای عدد ترتیبی نیز تحت تأثیر ترجمه زیاد شده است مانند: قرن بیست به جای قرن بیستم و از این قبیل است نمره یک، اطاق شماره بیست، سال ۱۳۴۲ و ده‌ها مانند آن.

۵ - همچنین بعضی از کلمات تحت تأثیر ترجمه برخلاف قواعد فارسی جمع بسته می‌شود مانند:

Les Allemands آلمان‌ها به جای (آلمانی‌ها)

و همچنین است انگلیس‌ها و روس‌ها به جای انگلیسیان و روسیان ولی بسیاری دیگر از این گونه کلمات درست جمع بسته شده‌اند مانند امریکایی‌ها، ایتالیایی‌ها، نروژی‌ها، یونانی‌ها، ژاپونی‌ها نه امریکاه‌ها، ایتالیاه‌ها، نروژها.

۶ - در فارسی قدیم فعل گاهی با مسندالیه بی‌جان مطابقه نمی‌کرده است و گاهی می‌کرده است ولی امروز تحت تأثیر ترجمه مطابقه فعل با این گونه مسندالیه‌ها بیشتر شده است مانند:

Les chiffres parlent ارقام سخن می‌گویند

۷ - «Must» در انگلیسی هم به معنی «احتمال دارد» است و هم به معنی باید به کار می‌رود مثال برای این فعل که به معنی احتمال دارد آمده است:

Niagara Fall must be beautiful

یعنی آبشار نیاگارا باید زیبا باشد یعنی احتمال دارد زیبا باشد.  
ممکن است «باید» به معنی «شاید» در فارسی نیز تحت تأثیر ترجمه باشد مانند: «او باید حالا رسیده باشد».

۸ - ممکن است «اینطور نیست» نیز ترجمه «N'est ce pas» فرانسوی باشد. در جمله‌هایی مانند: او به خانه رسیده است اینطور نیست؟

۹ - رواج نوعی امر خواهشی و احترامی به غیر صیغه امر نیز بی‌شک ترجمه از فرنگی است. در جمله‌هایی مانند اگر ممکن است بفرمایید بنشینید، آیا مایلید در را باز کنید، ممکن است به خانه ما بیایید؟ به جای بنشینید، در را باز کنید، به خانه ما بیایید. این اصطلاحات ترجمه چنین تعبیراتی هستند:

Would you open the door مایلید در را باز کنید

Will you open the door خواهشمندم در را باز کنید

Voulez vous parler moins vite خواهشمندم کمی آهسته‌تر صحبت کنید

۱۰ - به نظر می‌رسد رواج گروه‌های فعلی «وجود دارد» و «وجود داشت» نیز تحت تأثیر ترجمه باشد زیرا ما در فارسی فعل‌هایی نظیر «Il y a» فرانسه و «There is» انگلیسی نداریم و ناچار آنها را با «هست» و «وجود دارد» ترجمه می‌کنیم.

۱۱ - فعل‌های مستقبل نیز تحت تأثیر ترجمه در زبان ما رواج بیشتری یافته است. در زبان پهلوی صیغه خاصی برای مستقبل نبوده است و مضارع نقش مستقبل را نیز بازی می‌کرده است. در فارسی دری قدیم گاهی مضارع مجرد فعل شبه معین خواستن (خواهم، خواهی، خواهد...) بخصوص با فعل بودن صیغه مستقبل می‌ساخته است مانند «خواهد بود» و غیره. معهذ این فعل همیشه مستقبل نمی‌ساخته است زیرا در بسیاری از موارد فعل شبه معین بوده است نه فعل معین مستقبل ساز. مثلاً «خواهم رفتن» و «خواهم شدن» به معنی می‌خواهم بروم می‌آمده است مانند:

خواهم شدن به بستان چون غنچه با دل تنگ

و آنجا به نیکنامی پیراهنی دریدن [حافظ]

در این دوران باز صیغه‌های مضارع بخصوص مضارع مجرد نقش مستقبل را نیز بازی می‌کرده‌اند ولی به تدریج فعل شبه معین خواهم، خواهی... تبدیل به فعل معین مستقبل ساز شده است و در زمان ما تحت تأثیر ترجمه صیغه مستقبل تثبیت گردیده است اما ما هنوز در زبان گفتار صیغه مستقبل نداریم و برای رساندن این معنی باز از فعل مضارع بهره‌مند می‌شویم و رواج فراوان مستقبل در نوشتن بی‌شک تحت تأثیر ترجمه است.

۱۲ - اینک مثال برای کلمات مستقلى که تحت تأثیر ترجمه به صورت شبه پسوند و شبه پیشوند در آمده‌اند. این شبه‌پسوند و پیشوندها عبارتند از: پیش، قبلى، دو، همه، چند، نیمه، نیم، هم، شبه، سوء، بطور، از لحاظ، از حیث.

|              |                  |
|--------------|------------------|
| Préachat     | پیش خرید         |
| Prévention   | پیشگیری، جلوگیری |
| Préavis      | پیش آگهی         |
| Préjugé      | پیشداوری         |
| Préfixe (فر) | Prefix (ل)       |
| Précocce     | پیش‌رس           |

گاهی اینگونه کلمات به جای پیش با «قبلى» ترجمه می‌شوند مانند:

|                                                             |            |
|-------------------------------------------------------------|------------|
| Préssentiment                                               | احساس قبلى |
| préjugé                                                     | قضاوت قبلى |
| و همچنین است وضع عناصر دستوری که در مثال‌های زیر خواهد آمد: |            |

دوهمسری، دو جانبه، همه جانبه، چند جانبه، کثیرالاضلاع، چندخدایی، نیمه رسمی، نیمه‌دایره، نیمه متمدن، نیمه راه، نیمه خدا،

همجوار، هماهنگ، همخونی، همپیمان، هم‌عصر، هموطن، هم‌میهن، هم‌عقیده، هم‌مسلك، شبه فلز، شبه معین، سوء تفاهم، سوء رفتار، سوء ادب، سوء هضم، سوء جریان، سوء استفاده، به طور محسوس، به قدر کافی، به مقدار زیاد، به طور وسیع، از لحاظ اقتصادی، از نظر نظامی، از حیث نظامی و ده‌ها مانند آن که اخیراً رایج شده است.

یادآوری - «سوء» در قدیم با کلمات عربی ترکیب می‌شده است مانند سوء القیه و سوء القضاء ولی ترکیب آن با کلمات فارسی و یا فارسی شده به احتمال قوی تحت تأثیر ترجمه است و تازگی دارد.

★ ★ ★

#### تأثیر حروف اضافه فرانسوی و انگلیسی در فارسی

شماره حروف اضافه فارسی و حروف جرّ عربی از حرف‌های اضافه فرانسه و انگلیسی به مراتب کمتر است به این سبب در این دو زبان هنگام ترجمه بعضی از اسم‌های مضاف به جای حرف اضافه بکار می‌روند مانند خلف در عربی و عقب و پس و سپس در فارسی به جای Behind انگلیسی و Derrière فرانسه و از این قبیل است روی، زیر، بالای، نزد، پیش و غیره (با کسره آخر) که در فارسی اسم مضافند و گروه کوتاه وابسته‌ساز می‌سازند، ولی معادل‌شان در فرانسه و انگلیسی حرف اضافه است. به همین سبب بعضی از دستورنویسان به تقلید از زبان فرانسه و انگلیسی این کلمات را هم حرف اضافه خوانده‌اند<sup>۱</sup> در حالی که درست نیست. اینگونه حروف اضافه فرنگی که در فارسی نظیرشان نیست به وسیله گروه‌های وابسته‌ساز ترجمه شده‌اند و این گروه‌ها یا بلندند و در آن صورت ساختمان‌شان چنین است:

حرف اضافه + اسم + کسره یا حرف اضافه دیگر

۱. به دستور عبدالعظیم قریب نگاه کنید.

|         |                        |
|---------|------------------------|
| Contre  | (فر) = بر + ضد         |
| Against | (ا)                    |
| sauf    | (فر) = به + استثنا + ی |
| Except  | (ا)                    |

و یا کوتاهند یعنی صورت کوتاه شده گروه های یاد شده هستند مانند: نزد، پیش، جلو و غیره که می توان آنها را به صورت بلند هم بکار برد یعنی به صورت به نزد، در پیش، در جلو.

این گروه ها نیز یا در زبان ما وجود داشته اند مانند به سوی و بر فراز و درباره و در باب و در بالای، و یا در عصر حاضر به وجود آمده اند مانند برضد و به استثنای و غیره.

اینک ترجمه حروف اضافه فرنگی در فارسی:

الف - آنهایی که با گروه های کوتاه ترجمه شده اند و معادل شان از قدیم در زبان ما وجود داشته است:

|          |      |                 |
|----------|------|-----------------|
| Chez     | (فر) | نزد، نزدیک      |
| Near     | (ا)  |                 |
| Above    | (ا)  | بالای           |
| Sur      | (فر) | روی             |
| On, upon | (ا)  |                 |
| Below    | (ا)  | زیر             |
| Sous     | (فر) | زیر، تحت        |
| Under    | (ا)  |                 |
| Enter    | (فر) | بین، میان       |
| Between  | (ا)  |                 |
| Suivant  | (فر) | طبق، مطابق      |
| Derrière | (فر) | عقب، پس، پس پشت |
| Behind   | (ا)  |                 |
| Inside   | (ا)  | درون، داخل      |

|              |      |              |
|--------------|------|--------------|
| Dehors       | (فر) | بیرون، خارج  |
| Outside, out | (l)  |              |
| Vis-a-vis    | (فر) | مقابل، برابر |
| Opposite     | (l)  |              |

ب - آنهایی که با گروه‌های بلند ترجمه شده‌اند و معادل‌شان در قدیم وجود نداشته و اخیراً تحت تأثیر ترجمه به وجود آمده‌اند:

|                   |      |                                            |
|-------------------|------|--------------------------------------------|
| Par               | (فر) | به وسیله، به واسطه                         |
| By                | (l)  |                                            |
| Sans              |      | بدون                                       |
| Contre            | (فر) | برضد، علیه، بر علیه                        |
| Against           | (l)  |                                            |
| Sauf              | (فر) | به استثنای                                 |
| Except, Excepting | (l)  |                                            |
| Comme             | (فر) | به عنوان                                   |
| As                | (l)  |                                            |
| Durant            | (فر) | در عرض، در مدت                             |
| During            | (l)  |                                            |
| Autour de         | (فر) | پیرامون، در اطراف                          |
| Around            | (l)  |                                            |
| Devant            | (فر) | در برابر، در مقابل (مثلاً در برابر دادگاه) |
| Before            | (l)  |                                            |

ج - آنهایی که با گروه‌های بلند ترجمه شده‌اند و معادل‌شان در فارسی تازگی ندارد و از قدیم بوده است:

|        |      |                  |
|--------|------|------------------|
| Toward |      | به سوی           |
| Sur    | (فر) | در باره          |
| About  | (l)  |                  |
| Malgré | (فر) | با وجود، علی‌رغم |

|                                                                                                          |      |                         |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|-------------------------|
| Despite                                                                                                  | (۱)  |                         |
| گروه‌های وابسته ساز تازه - بعضی از گروه‌های وابسته ساز تازه فارسی ترجمه گروه‌های وابسته ساز فرنگی هستند: |      |                         |
| Au moyen de                                                                                              | (فر) | به وسیله                |
| By means of                                                                                              | (۱)  |                         |
| In common with                                                                                           |      | در ارتباط با            |
| In comparaison with                                                                                      |      | در مقایسه با            |
| In contact with                                                                                          |      | در تماس با              |
| Instead of                                                                                               |      | به جای                  |
| En cas de                                                                                                | (فر) | در حال                  |
| In case of                                                                                               | (۱)  |                         |
| En faveur de                                                                                             | (فر) | به نفع، بر له، له       |
| In favour of                                                                                             | (۱)  |                         |
| Au cours de                                                                                              |      | در جریان                |
| A la suit de                                                                                             |      | به دنبال                |
| By way of                                                                                                |      | از طریق                 |
| On behalf of                                                                                             |      | از طرف                  |
| For the sake of                                                                                          | ۲    | برای خاطر، به خاطر      |
| With respect to                                                                                          |      | با عطف به، با احترام به |
| With regard to                                                                                           |      | با توجه به              |
| In proportion to                                                                                         |      | نسبت به                 |

★ ★ ★

حروف اضافه فرنگی نوع دیگری از تأثیر نیز در زبان ما داشته‌اند و آن تغییر معنی یا تغییر مورد استعمال حروف اضافه فارسی است مانند:

Etudier sur مطالعه کردن روی، به جای مطالعه درباره

Appuyer sur تکیه کردن روی، به جای تکیه کردن بر

Compter sur حساب کردن روی  
یاد آوری - معادل بسیاری از حروف اضافه و گروه‌های وابسته ساز  
فرنگی در فارسی حروف اضافه یا گروه وابسته ساز نیست بلکه صفت یا  
قیدند مانند:

|                   |      |                     |
|-------------------|------|---------------------|
| Après             | (فر) | بعد از              |
| After             | (ا)  |                     |
| Avant             | (فر) | پیش از              |
| Before            | (ا)  |                     |
| Hors de           | (فر) | و بجز               |
| Independamment de |      | مستقل از            |
| Away from         |      | دور از              |
| Aside from        |      | بر کنار از، فارغ از |
| Concerning        | (ا)  | مربوط به            |
| Concernant        | (فر) |                     |
| Bestides          |      | علاوه بر            |

که از تعبیرات یاد شده تنها «مستقل از» تازگی دارد و تحت تأثیر ترجمه به  
وجود آمده است و بقیه در فارسی قدیم هم بوده‌اند و سابقه داشته‌اند و  
تحت تأثیر ترجمه به وجود نیامده‌اند.

★ ★ ★

کلماتی که از زبان‌های فرنگی به فارسی ترجمه گردیده‌اند همیشه با  
یک کلمه برگردانده نشده‌اند بلکه گاهی به وسیله دو یا چند کلمه ترجمه  
گردیده‌اند و گاهی هم با یک جمله برگردانده شده‌اند ولی بسیاری کلمات  
بیگانه‌ای که با یک کلمه ترجمه شده و این کلمات ترجمه‌ای نیز بر دو  
قسم‌اند یکی کلمات تازه که قبلاً در زبان ما نبوده‌اند و یا به معنایی دیگر به  
کار می‌رفته‌اند و تحت تأثیر ترجمه ساخته شده‌اند مانند: دانشگاه،  
دانشکده، آزادیخواه و صدها مانند آن. دیگر آنهایی که تازگی ندارند.

مثال برای واژه‌هایی که با دو یا چند واژه و به صورت گروه ترجمه گردیده‌اند:

|                              |      |                                |
|------------------------------|------|--------------------------------|
| Solution                     | (I)  | راه حل                         |
| Directly                     | (I)  | به طور مستقیم                  |
| Directement                  | (فر) |                                |
| Automatiquement              | (فر) | به طور خودکار، به طور اتوماتیک |
| Automatically                | (I)  |                                |
| Naturally                    | (I)  | به طور طبیعی                   |
| Naturellement                | (فر) |                                |
| Strangely                    | (I)  | به طور عجیب                    |
| Etrangement                  | (فر) |                                |
| Illégalement, Illégitimement | (فر) | به طور غیر قانونی              |

و از این قبیل‌اند: به طور غیر رسمی، به طور رسمی، به طور دائم، به طور محسوس، به طور غیر محسوس، به طور مساوی و ده‌ها مانند آن. از کلمات بیگانه‌ای که به صورت گروه ترجمه شده‌اند واژه‌های دستوری فرانسه و انگلیسی هستند (از قبیل حروف اضافه و پیوندها) که در فارسی نظیرشان نیست مانند:

|         |      |                      |
|---------|------|----------------------|
| Contre  | (فر) | بر ضد، علیه، بر علیه |
| Against | (I)  |                      |
| Comm    | (فر) | به عنوان             |
| As      | (I)  |                      |

دیگر از گروه‌های ترجمه‌ای تازه گروه‌های فعلی و مصدری هستند که تعدادشان بسیار زیاد است مانند:

|                   |      |            |
|-------------------|------|------------|
| To aggravate      |      | تشدید کردن |
| To introduce      |      | معرفی کردن |
| To industrialize  | (I)  | صنعتی کردن |
| To industrialiser | (فر) |            |

|                                                                                               |      |             |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------|------|-------------|
| To occuper                                                                                    | (فر) | اشغال کردن  |
| To occupy                                                                                     | (ا)  |             |
| To organize                                                                                   | (ا)  | سازمان دادن |
| Organiser                                                                                     | (فر) |             |
| Normaliser                                                                                    | (فر) | عادی کردن   |
| گاهی دو کلمه بیگانه با یک کلمه فارسی ترجمه شده است مانند:                                     |      |             |
| Chefs d'oeuvre                                                                                |      | شاهکار      |
| اما کلمات بیگانه‌ای که با یک کلمه تازه ترجمه شده‌اند و زبان فارسی را غنی کرده‌اند عبارتند از: |      |             |
| Sociologie                                                                                    | (فر) | جامعه‌شناسی |
| Sociology                                                                                     | (ا)  |             |
| Psychologie                                                                                   | (فر) | روان‌شناسی  |
| Psychology                                                                                    | (ا)  |             |
| Stylistique                                                                                   | (فر) | سبک‌شناسی   |
| Stylistics                                                                                    | (ا)  |             |
| Linguistique                                                                                  | (فر) | زبان‌شناسی  |
| Linguistics                                                                                   | (ا)  |             |
| Economique                                                                                    | (فر) | اقتصادی     |
| Economic                                                                                      | (ا)  |             |
| Complètement                                                                                  | (فر) | کاملاً      |
| Completely                                                                                    | (ا)  |             |
| Sabotage                                                                                      |      | خرابکاری    |
| Legendary                                                                                     | (ا)  | افسانه‌ای   |
| Legendaire                                                                                    | (فر) |             |
| Multilateral                                                                                  |      | چند جانبه   |
| Bilateral                                                                                     |      | دو جانبه    |
| Sérieusement                                                                                  | (فر) | مجددانه     |

|              |      |              |
|--------------|------|--------------|
| Certainement | (فر) | مطمئناً      |
| Certainly    | (ا)  |              |
| Protester    | (ا)  | اعتراض کننده |

و صدها مانند آن از قبیل: عادلانه، آزادیخواه احتمالاً، مطمئناً، عمیقاً و غیره.

★ ★ ★

شک نیست که بسیاری از این تعبیرات و لغات بسیار زیبا ترجمه گردیده‌اند و مورد اقبال فارسی زبانان نیز قرار گرفته‌اند. از این قبیل‌اند: دانشگاه، دانشکده، دادرسی، بازپرس، شکست‌ناپذیر، دادستان و غیره ولی برخی دیگر با نهایت بی‌ذوقی به فارسی برگردانده شده‌اند مثل:

|                                 |      |                   |
|---------------------------------|------|-------------------|
| Sus-mentionné                   | (فر) | فوق الذکر         |
| Above mentioned                 | (ا)  |                   |
| Prendre des mesures nécessaires | (فر) | اتخاذ تدابیر لازم |
| Take the necessary measures     | (ا)  |                   |
| Pouvoir législatif              | (فر) | قوة مقننه         |
| Legislative power               | (ا)  |                   |
| Pouvoir exécutif                | (فر) | قوة مجریه         |
| Executive power                 | (ا)  |                   |

که بعضی از اینها مانند «فوق الذکر» با قواعد دستوری هم مطابقت ندارند زیرا جزء اول این تعبیر باید صفت باشد نه اسم. صفاتی مانند فائق و سابق و غیره. همچنین کلمه «عمومی» در ترکیب‌هایی مانند روان‌شناسی عمومی، زبان‌شناسی عمومی که ترجمه غلط General است ولی ژنرال اینجا به معنی کلی است نه عمومی و بهتر بود این عبارت را چنین ترجمه می‌کردند: کلیات زبان‌شناسی، کلیات روان‌شناسی. یا دستکم، زبان‌شناسی کلی، روان‌شناسی کلی و غیره.

باری کار ما رد یا قبول این گونه اصطلاحات نیست بلکه غرض تنها بیان حقیقتی است واقع و شرح نکاتی است درباره فارسی معاصر و همچنین مراد نشان دادن کلماتی است که خواه و ناخواه و عملاً وارد زبان ما شده‌اند و به وسیلهٔ عدهٔ کثیری از مردم نیز به کار می‌روند و چنین تحقیقی یعنی پژوهش دربارهٔ تأثیر زبان‌ها در یکدیگر از مباحث مهم دانش نوین زبانشناسی است که در همهٔ کشورهای پیشرفته صورت می‌گیرد. این امر کار واژه‌سازان زبان فارسی را نیز که میل دارند نثر امروز را تهذیب کنند و کلمات زیباتری به جای اصطلاحات مورد بحث به مردم عرضه کنند آسان‌تر می‌سازد زیرا با مراجعه به مجموعه‌های حاضر و آماده به آسانی می‌توانند لغات و تعبیراتی را که نمی‌پسندند پیدا کنند و به جای آنها ترکیبات مناسبتری بسازند و در دسترس مردم بگذارند تا مردم کدام را انتخاب کنند.

گروهی بر آنند که برای این اصطلاحات و تعبیرات باید نظایر و مترادف‌هایی از آثار قدیم یافت ولی باید دانست که بسیاری از این اصطلاحات در آن آثار معادلی ندارند مثلاً «خط هوایی» و امثال آن در نوشتهٔ گذشتگان مترادف نداشته است زیرا در آن زمان هواپیمایی نبوده است که خط هوایی هم باشد ثانیاً استعمال تعبیراتی هم که در آثار قدیم نظیر و مترادف داشته‌اند نیز مشکلی ایجاد نمی‌کند فی‌المثل شک نیست که «تبادل نظر»<sup>۱</sup> در قدیم مترادف‌هایی از قبیل «مشورت» و «رای زنی» داشته است اما این دو تعبیر را همیشه نمی‌توان به جای «تبادل نظر» به کار برد و انگهی ما مدعی نیستیم که مفهوم «تبادل نظر» اصلاً در قدیم نبوده است بلکه فقط می‌گوییم «تبادل نظر» به صورت امروزی آن تازگی دارد و ترجمه‌ای از زبان فرانسوی و یا انگلیسی است و اگر هم کسی این تعبیر را نمی‌پسندد بهتر است زیباتر از آن را بسازد و در بین مردم رایج کند. به هر حال

1. Exchange of view (ا)  
Echange de vue (فر)

قصد ما هواخواهی از این لغات و تعبیرات یا مخالفت با آنها نیست بلکه غرض عرضه کردن آنهاست بدون اظهار نظر شخصی زیرا بحث درباره زشتی یا زیبایی این تعبیرات کار عده بیشتر و مستلزم مجال وسیعتری است. بعضی از این اصطلاحات در فرانسه یا انگلیسی دو معادل دارند مانند احساس احتیاج کردن در فرانسه که یک بار معادل است با *Ressentir le besoin de* و دیگر با *Eprouver le besoin de* مساوی است و این در موردی است که بتوان کلمه‌ای را با مترادف آن عوض کرد.

معادل بعضی از اصطلاحات ترجمه‌ای فارسی در زبان فرانسوی و انگلیسی شبیه به هم نیستند و صورت فارسی آنها ترجمه از یکی از زبان‌های یاد شده است نه از هر دو. مثلاً این اصطلاحات از فرانسه ترجمه شده‌اند نه از انگلیسی:

| از فرانسه            | نه از انگلیسی                                                                 |
|----------------------|-------------------------------------------------------------------------------|
| Bon voyage           | Have a good trip                                                              |
| La chambre à coucher | Bed room                                                                      |
| اطاق خواب            | سالن نهارخوری، اطاق نهار خوری                                                 |
| La salle à manger    | Dining room                                                                   |
| Avoir besoin         | To need                                                                       |
| احتیاج داشتن         | در حالی که معادل بسیاری دیگر از این اصطلاحات در هر دو زبان مشابه همنند مانند: |

|                                 |      |                   |
|---------------------------------|------|-------------------|
| Prendre des mesures nécessaires | (فر) | اتخاذ تدابیر لازم |
| Take the necessary measures     | (ا)  |                   |
| En tous cas                     | (فر) | در هر صورت        |
| In any case                     | (ا)  |                   |
| L'une de miel                   | (فر) | ماه عسل           |
| Honey-moon                      | (ا)  |                   |
| Chaîne de montagnes             | (فر) | سلسله جبال        |
| Chain of mountains              | (ا)  |                   |

|                        |      |         |
|------------------------|------|---------|
| Profondement           | (فر) | عمیقاً  |
| Deeply                 | (l)  |         |
| Sous la direction de   | (فر) | زیر نظر |
| Under the direction of | (l)  |         |

و صداها نظیر آن.

برای بسیاری از این گونه کلمات و تعبیرات نگارنده فقط معادل فرانسوی آنها را یافته است مانند:

|                         |                    |
|-------------------------|--------------------|
| Les matières premières  | مواد اولیه         |
| Les voix publiques      | آراء عمومی         |
| Le calme avant l'orage  | آرامش قبل از توفان |
| La liberté politique    | آزادی سیاسی        |
| La liberté d'action     | آزادی عمل          |
| La liberté individuelle | آزادی فردی         |
| Salle d'opération       | اطاق عمل           |

برای بعضی دیگر فقط معادل انگلیسی آنها را یافته است مانند:

|                                |                   |
|--------------------------------|-------------------|
| To express hope                | اظهار امید کردن   |
| All round reform               | اصلاح همه جانبه   |
| Sitting room                   | اطاق نشیمن        |
| To have the full confidence in | اعتماد کامل داشتن |

و معادل بعضی دیگر از این اصطلاحات را هم در فرانسه و انگلیسی یافته است و هم در عربی مانند:

|                   |      |                                      |
|-------------------|------|--------------------------------------|
| Les nations unies | (فر) | ملل متحد عربی = (عربی) الامم المتحدة |
| United Nations    | (l)  |                                      |

این شواهد می‌نمایاند که بسیاری از این تعبیرات در همه زبان‌ها وجود دارند و تا حدی جنبه جهانی یافته‌اند و منحصر به زبان انگلیسی و فرانسه و فارسی نیستند. ولی البته هر یک از اینها ابتدا در یک زبان به کار رفته‌اند و

سپس به زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند مثلاً اصطلاح پرده آهنین<sup>۱</sup> به معنی خاص سیاسی آن نخست در زبان انگلیسی و به وسیله چرچیل به کار رفته است و پس از آن وارد زبان‌های دیگر شده است نهایت آنکه اغلب این تعبیرات به وسیله زبان‌های انگلیسی یا فرانسوی به زبان ما آمده‌اند و گاه به درستی نمی‌توان تعیین کرد کدام اصطلاح نخستین بار از زبان انگلیسی و کدام یک از زبان فرانسوی وارد فارسی گردیده‌اند از اینرو ما تأثیر این دو زبان را در فارسی با هم مورد مطالعه قرار دادیم.

این گونه اصطلاحات ابتدا بیشتر از زبان فرانسوی وارد زبان ما می‌شده‌اند زیرا در گذشته اکثر بنیان‌گذاران فرهنگ و تمدن جدید در کشور ما در فرانسه و بلژیک و سوییس درس خوانده بوده‌اند و در نتیجه اصطلاحات و تعبیرات آن زبان را از راه جراید، کتب فرهنگی، نامه‌های اداری، دروس دانشگاهی و آثار علمی وارد زبان فارسی کرده‌اند اما تأثیر زبان فرانسوی در فارسی بیشتر مربوط به گذشته است زیرا در سال‌های اخیر زبان انگلیسی در میهن ما جای زبان فرانسوی را گرفته است و امروز تعبیرات ترجمه‌ای بیشتر از راه انگلیسی وارد زبان ما می‌شود ولی شک نیست که زبان فرانسه در چند دهه پیش یعنی وقتی که زبان خارجی مردم درس خوانده ما بود اثر عمیقی در فارسی بر جای نهاده است.

\*\*\*

بسیاری از تعبیرات فارسی بی آنکه از زبان‌های اروپایی ترجمه شده باشند مشابهت فراوانی با تعبیرات اروپایی دارند. دلیل اینکه این گونه تعبیرات و واژه‌ها از فرنگی ترجمه نشده‌اند آن است که در آثار قدیم فارسی که هیچ ارتباطی با زبان‌های فرانسوی و انگلیسی نداشته‌اند به کار رفته‌اند مثال:

---

1. Rideau de fer (فر)  
Iron curtain

Under the command (۱) تحت فرمان، زیر فرمان

زمین و زمان زیر فرمان توست [فردوسی]

تخمیناً به قدر هفتاد نفر از امیرزادگان ... تحت امر و نهیم بودند [رستم  
التواریخ، ص ۱۹، تصحیح محمد مشیری، چاپ اول] از عهد آدم تاکنون که اکثر اقالیم در تحت  
تصرف و فرمان اروغ چنگیزخان است [تاریخ جهانگشا، ص ۲۱، ج ۱، تصحیح فروزینی].

Incomplete (۱) ناتمام

Inachevé (فر)

ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است

به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبارا [حافظ]

Water storage آب انبار

Quadrupède چهارپا

Blood-thirsty تشنه به خون

Remain behind عقب مانده - واپس ماندگان

به واپس ماندگان از کاروانها [نظامی]

Sans arrêt بی توقف، بی وقفه

Running water آب جاری، آب روان

چو نالان آیدت آب روان پیش

مدد بخشش ز آب دیده خویش [حافظ]

Stagnant water مانداب

The session breaks up شکستن مجلس (ختم جلسه)

چون مجلس بر شکست شراپدار گفت ...

[منتخبات بهارستان جامی، ص ۱۸، چاپ امیرکبیر، چاپ اول]

Prendre forme (فر) شکل گرفتن

Take shape (۱)

هلال، شکل ز نعل سمند او گیرد

از این سبب زخسوف ایمن است شکل هلال [ازدقی]

Renaissance حیاتی تازه (تجدید حیات)

چون از وصول او خبر یافتند شادمان گشتند و حیاتی تازه و عیشی نو به مکان او در اجرام و اجسام ایشان ظاهر شد [ترجمه تاریخ یمنی، ص ۹۵، س ۱۴].

Midi نیمروز

Crack black market شکستن بازار (سیاه)

یارم چو قدح به دست گیرد

بازار بتان شکست گیرد [حافظ]

کرشمه‌ای کن و بازار ساحری بشکن

به غمزه رونق ناموس سامری بشکن [حافظ]

Fountain of life چشمه حیوان، چشمه زندگی

Ouvrir la porte (du pour parler) گشودن باب مذاکرات

عسی الله یقضی بانهم نبیله

فیختم بالحسنی و یفتح بابا [مرزبان نامه ص ۴۱]

Abnormal ناطبعی (غیر طبعی)

هر چه تن مردم را طبعی است بشناسد و هر چه ناطبعی است بشناسد

[ذخیره خوارزمشاهی، ص ۱۵، چاپ دانشگاه تهران، طبع اول].

Indirect نامستقیم (غیر مستقیم)

دل چو کانون و دیده چون آتش

کار نامستقیم و حال سقیم [ابوالعلاء به نقل از لغتنامه]

«نامستقیم» اینجا به معنی «کج» است ولی «غیر مستقیم» و «نامستقیم»

که بر اثر ترجمه وارد زبان ما شده به معنی «از راه دیگر» است.

Heart broken دل شکسته

بکن معامله‌ای وین دل شکسته بخر

که با شکستگی ارزد به صد هزار درست [حافظ]

La divergence de vue      اختلاف آراء (اختلاف نظر)

میان کزلی و پسر و اصحاب اختلاف آراء پدید آمد [جهانگشای ج ۲ ص ۷۲  
تصحیح قزوینی] و عجز و قصور و اختلاف آراء اهوای هر کس باز نمود [جهانگشای  
ج ۱ ص ۶۸].

Denouer      عقده گشایی، گره گشایی کردن

چو غنچه گر چه فرو بستگی است کار جهان  
تو همچو باد بهاری گره گشای می باش [حافظ]

A condition que      به شرط اینکه

A cause que      به علت اینکه، به سبب اینکه

Sans que      بی آنکه، بی از آنکه

بی از آن کاید از او هیچ گنه از کم و بیش  
سیزده سال کشید از ستم چرخ ذمیم [ابوحنیفه اسکافی]

Avant que      پیش تر زانکه، پیش تا

یارب از ابر هدایت برسان بارانی  
پیش تر زانکه چو گردی زمین برخیزم [حافظ]

خیز تا بر گل نو کوزگی باده خوریم  
پیش تا کوزه کند از گل مادست زمان [فروغی]

Malgré que      با وجودی که

در نمازی و رشک می کشدم  
با وجودی که با خدای منی

Après que      Depuis que      بعد از آنکه

In spite of      (ا)      علی رغم، به رغم

En de pit de      (فر)

A forte de      به نیروی

به نیروی یزدان نیکی دهش [فردوسی]

In aid of

به یاری

A la suite de

بر اثر، در پی

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

بر اثر صبر نوبت ظفر آید [حافظ]

یادآوری - برای دیدن موارد بیشتری از توارد بین تعبیرات وازگانی و دستوروی فارسی و فرانسه و انگلیسی به مقاله نگارنده تحت عنوان «نکاتی چند درباره تأثیر زبان‌های فرانسوی و انگلیسی در فارسی» در مجله وحید سال اول شماره نهم ص ۹ به بعد نگاه کنید.

\*\*\*

در قدیم به جای تعبیرات و اصطلاحات ترجمه‌ای غالباً تعبیرات دیگری به کار می‌رفته است که در عین اینکه با آن اصطلاحات تفاوت داشته است به آنها نیز کم و بیش شبیه بوده است: مثال برای اصطلاحاتی که مشابهت چندانی با اصطلاحات ترجمه‌ای ندارند:

For the first time

«نخست بار» به جای «برای نخستین بار»

نخست بار که برکان او گذشت فلک

بریده یافت شب و روز را ز یکدیگر

مختاری به نقل از المعجم چاپ خاور ۱۳۱۵

«قولاً واحداً» به جای «به اتفاق آراء»:

و الف شیدا و پیدا و هویدا و آشکارا و پیشوا و اندروا و نانبا قولاً واحداً

روا باشد که روی سازند [المعجم، ص ۱۵۷، ص ۱۲، چاپ خاور ۱۳۱۵].

جنوب شرقی

به جای

شرقی جنوبی

جنوب غربی

به جای

غربی جنوبی

|            |        |           |
|------------|--------|-----------|
| غربی شمالی | به جای | شمال غربی |
| شرقی شمالی | به جای | شمال شرقی |

پس نام آن چهار یک که میان مشرق و جنوب است شرقی جنوبی است و آنکه میان جنوب و مغرب است غربی جنوبی بود و آنکه میان مغرب و شمال است غربی شمالی بود آنکه میان شمال و مشرق است شرقی شمالی بود [التفهیم، ص ۶۵ و ۶۶، تصحیح استاد همایی، سال ۱۳۱۸].

روی کسی حساب کردن - به کس داشتن و به کس شماردن:

گر فریدون بود به عزت مال

بی هنر را به هیچ کس مشمار [سعدی]

وجهی اندیشیدن به جای تدبیری اتخاذ کردن.

اکنون حکم مروت و قضیت کرم آن است که بردن مرا وجهی اندیشید [کلیله و دمنه چاپ قریب ص ۱۰۱].

تدبیری اندیشیدن به جای تدبیری اتخاذ کردن

حالی به صلاح آن لایق تر که تدبیری اندیشی و بر وجه مسارعت روی به حیلست آری [کلیله و دمنه تصحیح مینوی چاپ اول ص ۱۰۱].

مثال برای مواردی که بین تعبیرات فارسی و فرنگی مشابهت بیشتری است:

اختلاف کلمه و تفرق کلمه به جای اختلاف نظر

(فر) La divergence de vue

هیچ استعلای دشمن را چون نفرت مخلصان و تفرق کلمه لشکر و رعیت نیست [کلیله مینوی ۳۶۶]. در اثنای آن خبر اختلاف کلمات امرای عراق رسید [تاریخ جهانگشای جوبنی، ص ۳۷، ج ۲، تصحیح قزوینی].

اتفاق کلمه نظیر اتفاق نظر و وحدت نظر

(فر) Unité de vue

دانی و قاضی و مطیع و عاصی را در امتثال فرمان، اتفاق کلمه پدید آید [التوسل الی التوسل، ص ۹۶، س ۱۵، چاپ بهمنیار].

Under the influence of                      تحت قدرت شبیه تحت نفوذ  
چون ایام خشم به سر آید و نوبت رضا درآید عوض آن دادن و تلافی  
آن فرمودن در تحت قدرت فطرت بشری و امکان قوت بنیت آدمی نیاید  
[التوسل الى التوسل، ص ۲۶].

Sous l'occupation de                      تحت تصرف شبیه تحت اشغال  
آن ولایت در تحت تصرف خود درآورد [چهارمقاله، چاپ معین، ص ۱۶، س ۲].  
یادآوری - نظیر این تعبیرات که با «تحت» ساخته شده‌اند، فقط در  
فارسی ترجمه‌ای دیده می‌شود:

Sous cette forme                      تحت این شکل  
Under examination                      تحت بررسی، تحت آزمایش  
Under study                      تحت مطالعه  
Under investigation                      تحت بازجویی  
و از این قبیل است تحت تعقیب، تحت پیگرد، تحت نظر، تحت  
نظارت، زیر نظر.

بعضی از این گروه‌ها در فارسی و فرنگی کار صفت را می‌کنند مانند:  
The material under examination                      مواد تحت بررسی  
مجاری احوال نظیر جریان امور:  
و در تضاعیف آن مکاتیب از مجاری احوال خویش و کید حساد و  
اهمال حقوق و اصفا و اجابت که از حضرت بخارا بنمایم خصوم او رفته  
بود [ترجمه تاریخ یمنی، ص ۷۰، س ۷].

اگر محول حال جهانیان نه قضااست  
چرا مجاری احوال برخلاف رضااست [انوری]

\*\*\*

گاهی دو تعبیر فارسی و فرنگی عیناً مانند همدان اما معنی آنها در دو زبان  
متفاوت است مانند «تصمیم گرفتن» در فارسی و «Prendre décision» در فرانسه:

عزیمت نهضت برای تحرّی رضای او بر آن قسمت تصمیم گرفت [التوسل، ص ۱۶۶، س ۲۱] نیز عزیمت اینجانب (بر نهضت) سوی خراسان تصمیم گرفته بود [التوسل، ص ۱۸۲، س ۱۰] چنانکه دیده می‌شود مسندالیه و فاعل تصمیم گرفت «عزیمت» است نه انسان بنابراین بین معنی «تصمیم گرفتن» امروز که به انسان اسناد داده می‌شود و از زبان‌های اروپایی ترجمه شده است و تصمیم گرفتن در قدیم که به عزم و عزیمت نسبت داده می‌شده است تفاوت است زیرا تصمیم در قدیم به معنی «گزیدن و گذشتن در کار عزیمت بوده است» [لغتنامه] ولی امروز به معنی اراده است.

یادآوری - مصمم کردن نیز در قدیم مانند تصمیم گرفتن به معنی گذشتن و جریان یافتن بوده و به عزم و امثال آن نسبت داده می‌شده است: و چون امیر ناصرالدین خاطر از کار قصدار بپرداخت عزم غز و کفار مصمم کرد [ترجمه نادیک یمنی، ص ۲۷، س ۷]. آتش غیرت در نهاد ناصرالدین متصاعد شد و عزم انتقام مصمم کرد [همان کتاب، ص ۳۱، س ۱۲]. چون این جواب به عضدالدوله رسید خشمناک شد و عزم مقاومت و مکاوحت قابوس مصمم کرد [همان کتاب، ص ۳۹، س ۱۳].

★ ★ ★

حاصل سخن آنکه تعبیرات ترجمه‌ای غیرعلمی و غیرفنی که وارد زبان ما شده است از ده هزار متجاوز است و نگارنده تنها ده هزار از این اصطلاحات را که نمونه آنها داده شد به دو زبان فرانسه و انگلیسی گرد آورده است. بعضی از متعصبان با این اصطلاحات مخالفند و وجود آنها را در زبان فارسی دلیل ناتوانی و ضعف آن می‌دانند و این امر طبیعی را مغایر غرور ملی و مخالف شوون فرهنگی ایران می‌دانند. ولی این اندیشه پنداری باطل بیش نیست زیرا در جهان نه زبان پاک وجود دارد نه نژاد و فرهنگ خالص و زبان‌ها و فرهنگ‌های جهان از آمیزش و پیوند با یکدیگر به وجود می‌آیند و بارور می‌شوند و زبان و فرهنگ پاک چیزی جز

زبان و فرهنگ ناتوان نیست. نهایت آنکه اخذ فرهنگ و تمدن و تعبیرات بیگانه نباید استقلال زبان و فرهنگ ما را از میان ببرد و الا اگر این کار موجب غنی شدن و بارور گردیدن آن شود بسیار هم مفید است. مثلاً ورود عین لغات بیگانه در زبانی اگر از حد اعتدال بگذرد خوب نیست ولی ورود تعبیرات ترجمه‌ای بسیار مفید است و نشانه زنده بودن و باروری زبان است. نشانه این است که زبان به اندازه‌ای تواناست که می‌تواند ده‌ها هزار تعبیر ترجمه‌ای بیگانه را در خود حل کند و آنها را هضم و جذب نماید و آن عناصر را چنان به رنگ ملی و محلی درآورد که کسی به بیگانه بودن آنها پی نبرد و نداند که این همه لغت و اصطلاح از زبان‌های دیگر آمده است. همان طور که در زبان ما چنین شده است.

وانگهی، این نفوذ در هر زبانی دیده می‌شود و امری است کاملاً طبیعی به طوری که این تأثیر در نوشته ادبا و قلمزنان دانشمند کشور ما نیز دیده می‌شود. در نوشته کسانی مانند دکتر صفا، دکتر خالطری، دکتر زرین‌کوب. این نشانه این است که این کار نقصی برای زبان ما نیست.

اینک مثال برای این گونه اصطلاحات در آثار ادبای معاصر:

قضاوت عجولانه Le jugement hâtif

و در این قضاوت عجولانه از طریق انصاف و عدالت خارج گشته‌اند

[نقد ادبی، ص ۱۷۲، چاپ اول از دکتر زرین‌کوب].

یک برهه از زمان A period of time

و البته واقعه‌ای که در یک برهه از زمان حادث می‌شود تأثیرش به

مراتب بیشتر است [همان کتاب، ص ۲۵۰].

نقش باختن و نقش بازی کردن To play the role و jouer um rôle

در صدد برآمد که در این دوره‌های تعصب و شقاق چنانکه باید نقش

سیاسی مؤثری ببازد [ادبیات فرانسه در دورهٔ رنسانس ترجمهٔ دکتر زرین‌کوب ص ۹۲].

اسکندر کبیر و دارای کبیر

Alexandre le Grand

(فر)

(1)

آن روز که دارای کبیر از مدد بخت  
بر کند ز بن ریشه آشوب و فتن را [بهار]

باری لقب کبیر برای پادشاهان و رجال تعبیری است فرنگی زیرا در ایران اسلامی به چنین پادشاهانی «سلطان اعظم» «پادشاه جهانگیر» و غیره می‌گفته‌اند.

Brilliant results      نتایج درخشان

قالب شکنی شعر نو همیشه و همه جا نتیجهٔ درخشان به بار نیاورده است اما ... [شعری دروغ شعری نقاب، ص ۲۸۰، چاپ اول از دکتر زرین کوب].

The brilliant work کار درخشان

کار بزرگ و درخشان [تاریخ زبان، دکتر خانلری، ص ۲۰۴، ج ۱].

Prendre decision      تصمیم گرفتن

تصمیم به ترک وطن گرفت [باکاروان حله، ص ۶۳، تألیف دکتر زین کوب].

To fill the gap      پر کردن گودال، پر کردن شکاف

باید گودالی که بین عواطف و افکار دیروزی و امروزی دهن باز کرده  
است هر چه زودتر پر کنیم [خطابه دکتر رعدی در فرهنگستان از مجله گویا، شماره ۱۱ و ۱۲، سال  
۱۳۵۲، ص ۱۰۰۹].

So-called national organization سازمان به اصطلاح ملی

سازمان به اصطلاح ملی با این پول‌های به قول خودش بی‌برکت... [سه تار از جلال آل احمد].

La periode primitive      مرحله ابتدایی

و هنوز آن مرحله ابتدایی نگذشته است [دانشمند واقعی و معرفت حقیقی از عباس اقبال].

امور اجتماعی (فر) Les affaires sociales

The social affairs (1)

همین امر سبب بود که به تدریج دست بعضی از مشایخ در امور اجتماعی گشوده شود [تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ چاپ اول ص ۱۸۳ تألیف دکتر صفا].

Prendre une diplomatie اتخاذ سیاست

پادشاهان زمان خصوصاً سلاطین سلجوقی نیز با سیاست مذهبی خاصی که اتخاذ کرده بودند نسبت به مذاهب اهل سنت تعصب می‌ورزیده‌اند [تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۱۴۱، چاپ دوم].

Unité d'action وحدت عمل

این مقاومت‌ها اگر با نقشه و تدبیر و وحدت عمل همراه بود مسلماً کار مغول را می‌ساخت [تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۵۹، چاپ اول].

«در درجهٔ اول» و «در درجهٔ اول اهمیت» «اثر جاودانی» نیز از اصطلاحات ترجمه‌ای است

En premier lieu در درجهٔ اول

آنچه برای ما در درجهٔ اول اهمیت واقع است خود شخصیت شعری و عرفانی حافظ و اثر جاودانی اوست [مقام حافظ، ص ۸، از استاد همایی]. اما از این نکته نمی‌توان نتیجه گرفت که بیان اعتبار و ارزش چندانی ندارد یا در درجهٔ دوم اهمیت است [مجلهٔ سخن سال هفتم شمارهٔ نهم، ص ۸۳۴، مقالهٔ دکتر خالری].

تحت طبع و زیر چاپ:

این کتاب عظیم که نخستین دایرةالمعارف زبان فارسی است از چند سال به این طرف به خرج دولت تحت طبع است [سخن شمارهٔ ۱، سال هفتم، ص ۹۳، مقالهٔ دکتر خالری].

Remarquable قابل توجه

گاهی قطعات مطبوع انشایی نیز در این گونه کتب ملاحظه می‌شود که قابل توجه است [منجینهٔ سخن، ج ۱، ص ۱۱۹، از دکتر صفا].

Etre au courant de در جریان بودن

در سایر بلاد عراق و خراسان هم این نوع کشمکش‌های مذهبی دائماً در جریان بود [تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۱۴۷، تألیف دکتر صفا].

Temps doré فر Golden age دورهٔ طلایی

چون گشت ز نو زمانه آزاد  
ای کودک دوره طلایی [دهخدا]

دستگاه تبلیغاتی:

و برای جلب عامه دستگاه تبلیغاتی مرتبی به وجود آوردند [باکاروان حله، از دکتر زرین کوب، ص ۶۶].

وارد بحث شدن:

می توانیم به بحثی که در اینجا مورد نظر ماست وارد شویم [مجله سخن مرداد، ۱۳۳۴، سال ششم، ص ۴۷۳، نوشته دکتر خالری].

بعضی از موارد:

در بعضی از موارد شاعر می تواند از میزان اصلی وزن تجاوز کند [مجله سخن سال پنجم شماره هفتم، ص ۴۹۷ مقاله دکتر خالری].

محکوم کردن به معنی مجازی:

زبان آوری های تملق آمیز شاعران را لغو و عبث می شناسد و محکوم می کند [باکاروان حله، ص ۸۰، چاپ اول].

عمق اشیاء:

اصلاً نمی خواهند در عمق اشیاء تأمل کنند [باکاروان حله، ص ۷۶].

معطوف داشتن توجه:

از او اوسط قرن هجدهم منابع و ذخایر شرق توجه جهانجویان اروپا را به خود معطوف داشته بود [تقد ادبی، ص ۱۸۵، چاپ اول].

افق نظر:

فرهنگ و ادب یونان ... افق نظر آنها را توسعه بخشید [تقد ادبی، ص ۲۷۹].

برای او که خاطره قهرمانی های محمود را هنوز در پیش چشم می داشت ... [باکاروان حله، ص ۷۰].

در رأس چیزی قرار داشتن:

سخنوران فارس یعنی غزلسرایان بزرگ قرن های هفتم و هشتم که

سعدی و حافظ در رأس آنها قرار دارند [دکتر خالطری مجله سخن شماره ۲، سال پنجم، ص ۲۹۶].  
فوق‌الذکر  
Sus-mentionné

علاوه بر عوامل و اسباب فوق‌الذکر بدیهه‌گویی را امرا و سلاطین  
خیلی پسند می‌کردند [شعرالعجم شبلی نعمانی، ص ۱۱۱، ج ۴، ترجمه فخر داعی].  
و از این قبیل است این اصطلاحات:

سیر تدریجی [تاریخ ادبیات در ایران، ص ۳۲۷، ج ۲]، شدت عمل [همان کتاب، ج ۳، ص ۴۳،  
چاپ اول] فقر عمومی [همان کتاب، ص ۷۷].  
شرایط نامساعد:

اگر از فردی که تحت شرایط نامساعدی زیسته جرمی سرزند مقصر  
جامعه است [فرهنگ اشعار حافظ تألیف دکتر احمدعلی رجایی ص ۲۳، مقدمه].  
تحت تأثیر:

پوست باز کرده باید بگوید که من بنده را در آغاز امر تحت تأثیر اطلاعاتی  
که بعداً دانسته شد بر پایه عدم اطلاع استوار است [همان کتاب، ص ۱۴، مقدمه].  
تحت اشغال:

ایران تحت اشغال حکام عرب بود [همان کتاب، ص ۱۷، مقدمه].

★ ★ ★

#### تأثیر ترجمه در شعر فارسی

شعراى ما بسيارى از اشعار و عبارات عربى و فرنگى را به شعر فارسى  
در آورده‌اند مانند:

گفت پیغمبر که احمق هر که هست

او عدوی ما و غول و رهزن است [مولوی]

که ترجمه حدیث «العاقل صدیقی و الاحمق عدوی» است.

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه کار به نام من دیوانه زدند [حافظ]

که ترجمه این آیه است: «ان عرصنا الامانة على السموات والارض و



و ده‌ها شعر دیگر مانند:

گفت پیغمبر که چون کوبی دری  
عاقبت زآن در برون آید سری [مولوی]

گفت پیغمبر به آواز بلند  
با توکل زانوی اشتر ببند [مولوی]

علاوه بر این بسیاری از تعبیرات و تشبیهات شاعرانه فارسی از عربی ترجمه شده‌اند مانند دختر رز، داس مه نو، خنده جام و ده‌ها مانند آن.

به مقاله نگارنده تحت عنوان «تقلید و ابداع در تشبیهات و استعارات حافظ» که جزء «مجموعه مقالات درباره حافظ» به وسیله دانشگاه پهلوی چاپ شده است، نگاه کنید.

در زمان ما نیز بسیاری از شاعران مانند دکتر حمیدی، دکتر خانلری، نادرپور، پروین اعتصامی، بهار و حسن هنرمندی اشعار اروپایی را به شعر فارسی درآورده و یا تحت تأثیر آن اشعار شعر سروده‌اند مانند عقاب خانلری و زورق مست هنرمندی که ترجمه‌ای است از شعر رمبو.

اینک چند نمونه دیگر از تأثیر ترجمه در شعر فارسی:

جرعه بر خاک همی ریزیم از جام شراب  
جرعه بر خاک همی ریزند مردان ادیب  
با جوانمردی بسیار بود چون نبود  
خاک را از قدح مرد جوانمرد نصیب

[منوچهری، ص ۶، چاپ ۱۳۱۸]

اگر شراب خوری جرعه‌ای فشان بر خاک  
از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک [حافظ]

### متأثر از

شربنا و اهرقنا علی الارض فضله  
و للارض من کاس الکرام نصیب  
و این عبارت در بسیاری از اشعار فارسی تأثیر کرده است.

ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لا عین  
جهان را نه بر بیهده کرده‌اند  
تو را نیز پی بازی آورده‌اند  
خرامیدن لا جوردی سپهر  
همان گرد گردیدن ماه و مهر  
مپندار کز بهر بازیگری است  
سراپرده‌ای اینچنین سرسری است

### النصح عندالملا تقریع

هر نصیحت که بر ملا باشد  
آن نصیحت به جز فضیحت نیست

تدارک فی آخرالعمر ما فاتک فی اوله  
به طهارت گذران منزل پیری و مکن  
خلعت شیب چو تشریف شباب آلوده [حافظ]

### کفران النعمه مزیلها

شکر نعمت نعمت افزون کند  
کفر نعمت از کفت بیرون کند [مولوی]

مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم مثل الجسد اذا اشتکی منه  
عضو تداعی له سائر ابدی بالسهر والحمی [حدیث نبوی]. حال مؤمنان در دوستی  
و ابراز رحمت با یکدیگر مانند پیکر انسان است که چون عضوی از آن به درد

آید باقی اعضای آن پیکر با بیخوابی و تب با آن عضو همدردی می‌کند:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار [سدی]

\*\*\*

از بررسی این یادداشت‌ها درمی‌یابیم که وجود ده‌ها هزار اصطلاح ترجمه‌ای در فارسی نشان می‌دهد که آینده زبان ما در دست ترجمه‌گران است زیرا این تعبیرات بر اثر نیاز روز افزونی که ما به غرب و علوم و فنون آن داریم بیشتر و بیشتر خواهد شد. باری تأثیر ترجمه در زبان فارسی امروز تا به حدی است که زبان ترجمه عملاً به صورت زبان سنجیده و معیار (زبان استاندارد) درآمده است و رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها هر روز این زبان را بیشتر ترویج می‌کنند حال که چنین است چرا ما زبان خود را به زیر دست نیمه مترجمان و اندک مایگان رها سازیم؟ چرا صدها ترجمان زبردست تربیت نکنیم که زبانی بهتر از آنچه فعلاً هست به مردم عرضه نمایند؟ چرا کسانی را که بتوانند اخبار و کتابها و مقالات علمی را با زبانی پاکیزه برای ملت ایران ترجمه کنند به کار نگماریم؟ برای این کار مهم باید با استعدادترین جوانان را برای فراگرفتن رشته ترجمه که در این کشور به شکل صحیح و پیشرفته‌ای تدریس نمی‌شود به دیار دیگر بفرستیم و علاوه بر این، این رشته را در مدارس عالی خود توسعه دهیم و برای کلاس‌های ترجمه خود استادان متخصص خارجی استخدام کنیم زیرا ما در ایران یا استادان متخصص ترجمه نداریم و یا اگر داشته باشیم، اندکند. معلمان کلاسهای ترجمه ما بیشتر معلم زبان خارجه‌اند نه معلم ترجمه و ما نباید معلم این دو رشته را یکی فرض کنیم. و چون سرنوشت زبان فارسی به دست ترجمه‌گران است باید خبرگان و کارآمدان این گروه

را با حقوق کافی در رادیو و تلویزیون و روزنامه‌های پرانتشار، به کار گماریم زیرا زبان این مؤسسات غول‌آسا، بیش از هر زبانی در گفته و نوشته مردم اثر می‌گذارد.

باید تأکید کنم که ترجمه برای زبان ما و برای زبان کشورهای جهان سوم نقشی اساسی و حیاتی دارد و این نکته‌ای است که سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد نیز آن را گوشزد کرده است اگر ما درد زبان داریم و اگر به سرنوشت زبان فارسی که با ملیت ما همزاد است علاقه‌مندیم باید حداقل هزار مترجم خوب برای رشته‌های مختلف علمی و فنی و ادبی و هنری و خبری تربیت کنیم آنگاه می‌توانیم بگوییم که کاری برای زبان ملی خود کرده‌ایم. در غیر این صورت هجوم زیاده از حد لغات بیگانه و رواج ترجمه‌های نارسا و ناقص و نامطلوب به زبان ما آسیب فراوان خواهد رسانید و آن را به راهی دیگر سوق خواهد داد تا جایی که درک زبان امروز برای نسل بعد ممکن نخواهد بود بخصوص اگر ترجمه نارسا و بد با واژه‌سازی ناساز و غیر علمی توأم باشد.

نتیجه دیگری که از این مقاله به دست می‌آید این است که ترجمه تحت‌اللفظی ممکن نیست و هر ترجمه‌ای کم و بیش رنگی از آزادی دارد زیرا به گفته زبان‌شناسان موزاییک دو زبان کاملاً بر هم منطبق نیست و ترجمه اگر صبغه‌ای از آزادی نداشته باشد ترجمه‌ای موفق نیست و در این رساله هم دیدیم که یک کلمه گاهی با یک گروه ترجمه می‌شود و گاهی با یک جمله و دیدیم که یک پیشوند گاهی با یک اسم ترجمه می‌گردد و گاهی با کلمه دیگری که بعد از آن می‌آید. و مترجم امین و دقیق کسی نیست که تحت‌اللفظی ترجمه کند زیرا این کار عملی نیست بلکه کسی است که کلمات و گروه‌ها و جمله‌ها را با دقتی هر چه بیشتر به فارسی برگرداند، اگر چه برای این کار لازم آید که پسوندی را تبدیل به پیشوند یا جزء پیشین کند یا برعکس و اگر چه لازم باشد یک کلمه را با دو یا چند کلمه و یا یک جمله ترجمه نماید.

ترجمه از زبان‌های اروپایی در ایران از تأسیس دارالفنون آغاز شد و با گسترش صنعت چاپ و اعزام محصلین ایرانی به خارج رو به افزایش نهاد، لیکن پس از کودتای سال ۱۲۹۹ که بساط حکومتی قاجار آخرین سال‌های عمر خود را می‌گذراند و بعد از تغییر سلطنت توجه به اخذ علم و تکنیک غرب، سبب از دیاد ترجمه شد. در سال ۱۳۰۰ که اولین سال بعد از کودتاست جمعاً ۴ کتاب در زمینه‌های ادبی، بهداشت و تعلیم و تربیت به فارسی برگردانده شد.

– اصول حفظ الصحة قابلیت‌گی جدید نوشته دکتر ماتیک دومپس ترجمه دکتر مهذب السلطنه.

– راهنمای تربیت یا اصول تعلیم و تربیت از عمر بیک مصری ترجمه حبیب الله آموزگار.

– علم کین از میخائیل شولوخوف روسی ترجمه ع. قنبراف.  
آخرین خانواده امپراتوری روس از پیر ژیلیار ترجمه دکتر غلامعلی صمصامی.

از سال ۱۳۰۰ به بعد تعداد ترجمه‌ها در زمینه‌های مختلف فزونی می‌گیرد. تعداد کتابهای ترجمه شده در طی ۵۵ سال (از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۴) در این بررسی که کاملاً به طور اجمالی صورت گرفته است براساس

---

۱. تهیه شده در قسمت آموزش، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی.

طبقه‌بندی دیوئی ارائه می‌شود:

با توجه به اینکه کتابهایی که از طرف مذاهب و احزاب غیر قانونی انتشار یافته و در فهرست نامه‌ها نیامده، در این بررسی منظور نشده است.

چنان‌که در جدول‌های بعد نشان داده خواهد شد در دهه اول (۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹) جمعاً ۲۳۸ کتاب و در دهه دوم (۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹) ۳۷۵ کتاب در دهه سوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۲۹) ۹۴۹ کتاب در دهه چهارم (۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹) ۱۸۰۷ و در دهه پنجم (۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹) ۲۰۱۴ کتاب و در پنج سال اول دهه ششم (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴) ۹۹۲ کتاب از زبان‌های مختلف به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

در جدول شماره ۱ تعداد کتابهای ترجمه شده و درصد آنها در دهه اول مورد بررسی، به تفکیک موضوع نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۱

تعداد کتابهای ترجمه شده در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹ به تفکیک موضوع

| موضوع              | تعداد | درصد  |
|--------------------|-------|-------|
| جمع                | ۲۳۸   | ۱۰۰   |
| کلیات              | —     | —     |
| فلسفه و روان‌شناسی | ۱۵    | ۶/۳۰  |
| ادیان              | ۴۸    | ۲۰/۱۷ |
| علوم اجتماعی       | ۱۸    | ۷/۵۶  |
| زبان‌شناسی         | ۱     | ۰/۴۲  |
| علوم خالص          | ۵     | ۲/۱۰  |
| علوم عملی          | ۱۶    | ۶/۷۲  |
| هنر                | ۳     | ۱/۲۶  |
| ادبیات             | ۹۲    | ۳۸/۶۶ |
| تاریخ و جغرافیا    | ۴۰    | ۱۶/۸۱ |

همان طور که در جدول شماره یک آمده در این دهه بیشترین ترجمه در زمینه ادبی صورت گرفته که شامل ترجمه متون، شعر، داستان و قصه می باشد با درصدی برابر ۳۸/۶۶ و پس از آن ادیان قرار گرفته با ۲۰/۱۷ درصد و سپس تاریخ و جغرافیا با ۱۶/۸۱ درصد.

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه ادبیات به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع                                                | نویسنده         | مترجم                   | سال       |
|------------------------------------------------------|-----------------|-------------------------|-----------|
| علم کین                                              | میخائیل شولوخوف | ع. قنبراف               | ۱۳۰۰ شمسی |
| دندان ببر                                            | موریس لبلان     | نصرالله فلسفی           | ۱۳۰۲ شمسی |
| همر و ایلیاد                                         | همر             | محمود عرفان             | ۱۳۰۳ شمسی |
| گوژپشت نتردام                                        | ویکتور هوگو     | حسن ناصر                | ۱۳۰۵ شمسی |
| بیچارگان                                             | ویکتور هوگو     | نصرالله فلسفی           | ۱۳۰۵ شمسی |
| مرگ سقراط                                            | لامارتین        | ذبیح الله صفا           | ۱۳۰۵ شمسی |
| جولیوس قیصر                                          | ویلیام شکسپیر   | میرزا محمد خان بهادر    | ۱۳۰۵ شمسی |
| ورتر                                                 | گوته            | نصرالله فلسفی           | ۱۳۰۶ شمسی |
| ماکدولین                                             | آلفونس کار      | محمد سعیدی              | ۱۳۰۶ شمسی |
| یهودی سرگردان                                        | اوژن سو         | حسینقلی بن غلامحسین     | ۱۳۰۶ شمسی |
| شعرالعجم                                             | شمس العلماء     | منصور انصاری            | ۱۳۰۶ شمسی |
| شاهکارهای شکسپیر<br>(رومئو و ژولیت،<br>هاملت، ماکبث) | شکسپیر          | سلطان حمید امیر سلیمانی | ۱۳۰۷ شمسی |
| شوالیه دو مزون روز                                   | الکساندر دوما   | ضیائی دهخوارقانی        | ۱۳۰۷ شمسی |
| بینوایان                                             | ویکتور هوگو     | حسینقلی مستعان          | ۱۳۰۷ شمسی |
| مسافرت به ماه                                        | ژول ورن         | میر حسین شباهنگ         | ۱۳۰۷ شمسی |
| تریپوله یا مقلد دربار شاهی                           | میشل زواگو      | رشید امانت              | ۱۳۰۷ شمسی |
| دوبروسکی                                             | الکساندر پوشکین | گریگور یقیکیان          | ۱۳۰۷ شمسی |

نویسندگانی که در این دوره در زمینه ادبیات بیشتر مورد توجه مترجمان بوده اند عبارتند از:

میشل زواگو در مرتبه اول که ده کتاب از او به ترجمه رسیده و سپس موريس لبنان در مرتبه دوم که ۹ کتاب از او ترجمه شده و ویکتور هوگو در مرتبه سوم که ۵ کتاب از او ترجمه شده است.

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه ادیان به ترتیب تاریخ

| موضوع                                 | نویسنده           | مترجم                                       | سال       |
|---------------------------------------|-------------------|---------------------------------------------|-----------|
| مدارک حقوق اسلامی و وصیت در مذهب شیعه | دکتر محمد مصدق    | دکتر متین دفتری، علی معتمدی، نصرالله انتظام | ۱۳۰۲ شمسی |
| گات‌ها (سرودهای مقدس)                 | -                 | پوردادود                                    | ۱۳۰۵ شمسی |
| حضرت سپهتمان زردشت)                   | -                 | حاج شیخ عبدالله بن محمد حسن مامقانی         | ۱۳۰۵ شمسی |
| سراج الشیعه فی آداب الشریعه           | -                 | علی عدل نخستین                              | ۱۳۰۶ شمسی |
| تفسیر رساله پولس                      | ویلیام میلر       | امان الله بهی                               | ۱۳۰۷ شمسی |
| رسول به رومیان                        | آندرو مورای       | حاج میرسید محمد                             | ۱۳۰۹ شمسی |
| روح مسیح                              | کنت هنری دوکاستری | فاطمی قمی                                   | ۱۳۰۹ شمسی |
| اسلام، افکار و اندیشه ها              |                   |                                             |           |

در این دهه بیشترین کتاب ترجمه شده در زمینه ادیان مربوط به دین اسلام و سپس مربوط به مسیحیت می باشد.

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه تاریخ و جغرافیا به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع                       | نویسنده      | مترجم                      | سال       |
|-----------------------------|--------------|----------------------------|-----------|
| قباد و ظهور مزدک            | کریستین سن   | نصرالله فلسفی و احمد بیرشک | ۱۳۰۶ شمسی |
| حکومت تزار و محمد علی میرزا | ن. پ. ماتتوف | شرف الدین قهرمانی          | ۱۳۰۹ شمسی |

| موضوع                | نویسنده               | مترجم            | سال            |
|----------------------|-----------------------|------------------|----------------|
| مقدمه تاریخ عمومی    | احمد رفیق             | سید صادق حسینی   | ۱۳۰۹ شمسی      |
| تاریخ ملل مشرق       |                       |                  |                |
| و یونان              | آلبر ماله و ژول ایزاک | عبدالحسین هژیر   | ۱۳۰۹ شمسی      |
| افسانه گنها یا تاریخ | فلیکس داهن            | یمین الدوله نشاط |                |
| ژرمن و روم (۷ جلد)   |                       | و ابراهیم نشاط   | ۱۳۰۶-۱۳۰۹ شمسی |

در این دهه درباره مسائل جغرافیایی کتابی ترجمه نشده و بیشترین ترجمه ها مربوط به تاریخ بوده است.

در دهه دوم ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹ مجموعاً ۳۷۵ کتاب از زبان های مختلف به فارسی ترجمه و منتشر شده است که تعداد ترجمه ها نسبت به دهه اول ۱۳۷ جلد افزایش داشته است. در جدول شماره ۲ تعداد کتابهای ترجمه شده و درصد آنها در دهه دوم مورد بررسی و به تفکیک موضوع نشان داده می شود:

جدول شماره ۲

تعداد کتابهای ترجمه شده در سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹ به تفکیک موضوع

| موضوع              | تعداد | درصد  |
|--------------------|-------|-------|
| جمع                | ۳۷۵   | ۱۰۰   |
| کلیات              | ۲     | ۰/۵۳  |
| فلسفه و روان شناسی | ۵۰    | ۱۳/۳۳ |
| ادیان              | ۷۶    | ۲۰/۲۷ |
| علوم اجتماعی       | ۳۴    | ۹/۰۸  |
| زبان شناسی         | ۲     | ۰/۵۳  |
| علوم خالص          | ۶     | ۱/۶۰  |
| علوم عملی          | ۲۹    | ۷/۷۳  |
| هنر                | ۲     | ۰/۵۳  |
| ادبیات             | ۱۱۴   | ۳۰/۴۰ |
| تاریخ و جغرافیا    | ۶۰    | ۱۶    |

در این دهه چون دهه اول بیشترین ترجمه‌ها در زمینه ادبیات صورت گرفته با در صدی برابر ۳۰/۴۰ و پس از آن ادیان با ۲۷/۲۰ درصد در مرتبه دوم و تاریخ و جغرافیا در مرتبه سوم با در صدی برابر ۱۶ قرار گرفته است. با توجه به اینکه در این دوره کتابهای فلسفه و روان‌شناسی نیز مورد توجه مترجمان قرار گرفته و ۵۰ کتاب در این زمینه به ترجمه رسیده است.

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه ادبیات به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع                 | نویسنده         | مترجم                  | سال       |
|-----------------------|-----------------|------------------------|-----------|
| کمینگاه مرگ           | میشل زواگو      | رشید امانت             | ۱۳۱۰ شمسی |
| دختر سلطان            | آلکساندر پوشکین | پرویز ناتل خانلری      | ۱۳۱۰ شمسی |
| زندانیان              | ماکسیم گورکی    | عباس خلیلی             | ۱۳۱۰ شمسی |
| رستاخیز               | لئون تولستوی    | غلامعلی وحید مازندرانی | ۱۳۱۲ شمسی |
| ارداویرافنامه         |                 |                        |           |
| (از زبان پهلوی)       |                 | رشید یاسمی             | ۱۳۱۴ شمسی |
| ترانه‌های دل          | آلفونس لامارتین | علی اکبر بصیری         | ۱۳۱۴ شمسی |
| کلبه عمو تم           | هریت بیچراستو   | حسین کیهانی            | ۱۳۱۵ شمسی |
| تاریخ ادبیات ایران    |                 |                        |           |
| (از صفویه تا مشروطیت) | ادوارد براون    | رشید یاسمی             | ۱۳۱۶ شمسی |
| ولدنامه               | بهاءالدین ولد   | جلال‌الدین همایی       | ۱۳۱۶ شمسی |
| دن کیشوت              | سروانتس         | محمد قاضی              | ۱۳۱۶ شمسی |
| رنه                   | شاتو بریان      | شجاع‌الدین شفا         | ۱۳۱۶ شمسی |
| تاجر ونیزی            | شکسپیر          | احمد بهمنیار کرمانی    | ۱۳۱۶ شمسی |
| فاوست                 | گوته            | عباس بنی صدر           | ۱۳۱۷ شمسی |
| روبن سن کروزو         | دانیل دوفو      | فخر داعی گیلانی        | ۱۳۱۷ شمسی |
| بهشت گمشده            | میلتون          | مصطفی رحیمی            | ۱۳۱۸ شمسی |
| کنت دومونت کریستو     | آلکساندر دوما   | اسکندر میرزا اسکندری   | ۱۳۱۸ شمسی |
| تیرباران شده سپیده دم | موریس دوکبرا    | فواد رسام              | ۱۳۱۸ شمسی |

| موضوع                            | نویسنده       | مترجم          | سال       |
|----------------------------------|---------------|----------------|-----------|
| زنبق سرخ                         | آنا تول فرانس | محمود پورشالچی | ۱۳۱۸ شمسی |
| مسخ و گراکوس شکارچی فرانتز کافکا |               | صادق هدایت     |           |
|                                  |               | وحسن قائمیان   | ۱۳۱۹ شمسی |
| هدف زندگی                        | بوریس ساخالوف | رحیم نامور     | ۱۳۱۹ شمسی |

در این دهه نیز بیشترین ترجمه‌ها در زمینه ادبیات از داستان‌های میشل زواگو صورت گرفته (۵ کتاب) و سپس تولستوی، لامارتین و جرجی زیدان هر کدام با سه کتاب و شکسپیر، پوشکین، آکساندر دوما و شاتو بریان هر کدام با دو کتاب.

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه ادیان به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع                  | نویسنده                | مترجم              | سال            |
|------------------------|------------------------|--------------------|----------------|
| تاریخ حیات پیغمبر      | توماس کارلایل          | ابو عبدالله زنجانی | ۱۳۱۲ شمسی      |
| قصه پیشینیان           | گوستاو لوبون           | اسماعیل حقی        | ۱۳۱۲ شمسی      |
| عهدنامه مالک اشتر      |                        | شیخ محمد هادی بن   |                |
|                        |                        | حسین بیرجندی       | ۱۳۱۶-۱۳۱۵ شمسی |
| میراث بهی برای مسیحیان | جان الدر               | رحیم نامور         | ۱۳۱۷ شمسی      |
| اسلام در عصر دانش      | محمد فرید وجدی         | محمد نجفی زنجانی   | ۱۳۱۸ شمسی      |
| تاریخ سیاسی اسلام      | حسن ابراهیم حسن        | ابوالقاسم پاینده   | ۱۳۱۸ شمسی      |
| رساله ترغیب بردعاء     | شیخ الرئیس ابوعلی سینا | ضیاء الدین دری     | ۱۳۱۹ شمسی      |

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه تاریخ و جغرافیا به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع           | نویسنده               | مترجم                 | سال            |
|-----------------|-----------------------|-----------------------|----------------|
| اختناق هندوستان | ویل دورانت            | رحیم نامور            | ۱۳۱۰ شمسی      |
| تاریخ اروپا     | آلبر ماله و ژول ایزاک | رشید یاسمی، عبدالحسین |                |
|                 |                       | هژیر، حسین فرهودی     | ۱۳۱۳-۱۳۱۰ شمسی |

| موضوع             | نویسنده          | مترجم            | سال            |
|-------------------|------------------|------------------|----------------|
| تاریخ مختصر ایران | سرپرسی سایکس     | حسین سعادت نوری  | ۱۳۱۲ شمسی      |
| چنگیز خان         | هارولد لمب       | رشید یاسمی       | ۱۳۱۳ شمسی      |
| شاهنشاهی ساسانیان | آرتور کریستین سن | مجتبی مینوی      |                |
| ایران و اهمیت آن  |                  | رشید یاسمی       | ۱۳۱۷-۱۳۱۴ شمسی |
| در ترقی تمدن بشر  | بلسار            | عبدالحسین سپنتا  | ۱۳۱۵ شمسی      |
| جغرافیه شکست      |                  |                  |                |
| خورد              | آندره موروا      | ابوالقاسم پاینده | ۱۳۱۹ شمسی      |

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه فلسفه و روان شناسی به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع                | نویسنده        | مترجم              | سال       |
|----------------------|----------------|--------------------|-----------|
| عود ارواح            | گابریل دولان   | رضاقلی رفیع الملک  |           |
| فلسفه عشق            | آرتور شوپنهاور | صمصامی مهاجر       | ۱۳۱۰ شمسی |
| تحقیق دقیق در        | آلبرهوت        | ربیع مشفق همدانی   | ۱۳۱۱ شمسی |
| شخصیت انسان          |                | محمد باقر          |           |
| روان شناسی تربیتی    | علی الجارم و   | هوشیار شیرازی      | ۱۳۱۵ شمسی |
|                      | مصطفی امین     | محمد معین          | ۱۳۱۶ شمسی |
| اصول فلسفه جدید      | اس. راپوپرت    | علی دشتستانی       | ۱۳۱۷ شمسی |
| روان شناسی علمی      | پروفسور ترمان  | محمد باقر          |           |
| (سنجش هوش)           |                | هوشیار شیرازی      | ۱۳۱۷ شمسی |
| روان شناسی از نظر    |                |                    |           |
| پرورش کودکان         |                | مهرانگیز منوچهریان | ۱۳۱۹ شمسی |
| تاریخ فلسفه در اسلام | ت. ج. دی بور   | عباس شوقی          | ۱۳۱۹ شمسی |

در این دهه رسالات مختلف ابن سینا در فلسفه و علم النفس توسط مترجمان مختلف به فارسی برگردانده شد از جمله:

|                   |                                       |
|-------------------|---------------------------------------|
| ۱۳۱۱ شمسی         | رساله جبر و اختیار                    |
| ۱۳۱۵ شمسی         | رساله نفس                             |
| ۱۳۱۶ شمسی         | فن سماع طبیعی آسمان و جهان کون و فساد |
| ۱۳۱۶ شمسی         | تعبیر رویا                            |
| ۱۳۱۸ شمسی         | رساله فیض الهی                        |
| ۱۳۱۸ شمسی         | رساله عشق                             |
| و چند رساله دیگر. |                                       |

در دهه سوم ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۹ جمعاً ۹۴۹ کتاب از زبان‌های مختلف به زبان فارسی برگردانده شد و در جدول شماره ۳ تعداد کتابهای ترجمه شده و درصد آنها در دهه سوم مورد بررسی و به تفکیک موضوع نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۳

تعداد کتابهای ترجمه شده در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۹ به تفکیک موضوع

| موضوع              | تعداد | درصد  |
|--------------------|-------|-------|
| جمع                | ۹۴۹   | ۱۰۰   |
| کلیات              | ۲     | ۰/۲۱  |
| فلسفه و روان‌شناسی | ۸۰    | ۸/۴۳  |
| ادیان              | ۱۵۶   | ۱۶/۴۴ |
| علوم اجتماعی       | ۱۱۵   | ۱۲/۱۲ |
| زبان‌شناسی         | ۴     | ۰/۴۲  |
| علوم خالص          | ۱۸    | ۱/۹۰  |
| علوم عملی          | ۴۳    | ۴/۵۳  |
| هنر                | ۱۵    | ۱/۵۸  |
| ادبیات             | ۴۱۴   | ۴۳/۶۲ |
| تاریخ و جغرافیا    | ۱۰۲   | ۱۰/۷۵ |

همان طور که در جدول شماره ۳ منعکس است جمع کتابهای ترجمه شده در دهه سوم ۹۴۹ کتاب است که کتابهای ترجمه شده در زمینه ادبیات با درصد ۴۳/۶۲ همچنان در صدر و پس از آن ادیان با ۱۶/۴۴ درصد در مرتبه دوم و تاریخ جغرافیا با ۱۰/۷۵ درصد در مرتبه سوم قرار دارد. در این دوره به ترجمه کتابهایی در زمینه علوم اجتماعی نسبت به دوره های قبل توجه بیشتری می شود و در صدی برابر با ۱۲/۱۲ را به خود اختصاص می دهد.

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه ادبیات به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع                   | نویسنده              | مترجم            | سال       |
|-------------------------|----------------------|------------------|-----------|
| خواب‌های شهرزاد طه حسین | حاج میرزا حسین خلیلی | ۱۳۲۳ شمسی        |           |
| نخستین مردی که دور کره  |                      |                  |           |
| زمین گردش کرد           | استفان زوایگ         | ذبیح الله منصوری | ۱۳۲۳ شمسی |
| چنبر مار                | فرانسوا موریاک       | جواد صدر         | ۱۳۲۳ شمسی |
| مادر                    | ماکسیم گورکی         | علی اصغر سروش    | ۱۳۲۳ شمسی |
| نیلوفر عشق              | رابیندرانات تاگور    | ع.پاشایی         | ۱۳۲۴ شمسی |
| خدایان تشنه‌اند         | آنا تول فرانس        | کاظم عمادی       | ۱۳۲۴ شمسی |
| انسان وحشی              | امیل زولا            | محمود پورشالچی   | ۱۳۲۵ شمسی |
| بلا                     | لرمانتف              | کریم کشاورز      | ۱۳۲۵ شمسی |
| پنج درام از شکسپیر      | شکسپیر               | علی اصغر حکمت    | ۱۳۲۶ شمسی |
| ویلهم تل                | فریدریش شیلر         | هاشم کاشف        | ۱۳۲۶ شمسی |
| کارخانه مطلق سازی       | کارل چابک            | حسن قائمیان      | ۱۳۲۶ شمسی |
| در تنگ                  | آندره ژید            | عبدالله توکل،    |           |
|                         |                      | رضا سید حسینی    | ۱۳۲۷ شمسی |
| بی بی بیک               | الکساندر پوشکین      | مسعود کریمی      | ۱۳۲۷ شمسی |
| مادام بواری             | گوستاو فلوبر         | محمد پورشالچی    | ۱۳۲۷ شمسی |
| دوزخ                    | ژان پل سارتر         | مصطفی فرزانه     | ۱۳۲۷ شمسی |

| موضوع                             | نویسنده          | مترجم          | سال       |
|-----------------------------------|------------------|----------------|-----------|
| تام سایر                          | مارک تواین       | جمشید صفا      | ۱۳۲۷ شمسی |
| تصویر دوریان گری                  | اسکار وایلد      | رضا مشایخی     | ۱۳۲۷ شمسی |
| انتقام مروارید                    | جان اشتاین بک    | جعفر محجوب     | ۱۳۲۸ شمسی |
| اوژنی گراند                       | اونوره دو بالزاک | عبدالله توکل   | ۱۳۲۸ شمسی |
| جنایت و کیفر                      | داستایوسکی       | محمد رضا عسکری | ۱۳۲۸ شمسی |
| آدم زیادی                         | ایوان تورگنیف    | عباس باقری     | ۱۳۲۸ شمسی |
| دیوان شرقی                        | گوته             | شجاع الدین شفا | ۱۳۲۸ شمسی |
| یادداشت‌های یک دیوانه ن. و. گوگول | گوگول            | مصطفی فرزانه   | ۱۳۲۸ شمسی |
| خورشید همچنان می‌درخشد            | ارنست همینگوی    | ع. کارن        | ۱۳۲۹ شمسی |

در این دهه در زمینه ادبیات بیشترین کتابهای ترجمه شده از آثار استفان زوایک است (۱۶ کتاب) و سپس ماکسیم گورکی (۱۰ کتاب) و آناتول فرانس (۸ کتاب).

نام برخی کتابهای ترجمه شده در زمینه ادیان به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع                                    | نویسنده         | مترجم              | سال       |
|------------------------------------------|-----------------|--------------------|-----------|
| آیات منتخبه قرآن و نهج البلاغه           | شیخ محمد حسین   | فاضل تونی          | ۱۳۲۰ شمسی |
| فرهنگ اسلامی و بزرگ‌ترین دانشمندان اسلام | قدری حافظ طوفان | محمد حسین          | ۱۳۲۴ شمسی |
| نکت‌الاعتقادیه ترجمه مصادقه‌الاخوان      | شیخ مفید        | محمد تقی دانش‌پژوه | ۱۳۲۴ شمسی |
| عظمت مسلمین                              | ابن بابویه قمی  | محمد تقی دانش‌پژوه | ۱۳۲۵ شمسی |
| در اسپانیا                               | ژوزف ماک کاپ    | ابوالقاسم فیضی     | ۱۳۲۶ شمسی |

ترجمه در نیم قرن اخیر ♦ ۹۱

| موضوع            | نویسنده            | مترجم             | سال       |
|------------------|--------------------|-------------------|-----------|
| تمدن و امپراتوری |                    |                   |           |
| اسلام            | استانیسلاس گوینارد | فخرالدین طباطبایی | ۱۳۲۶ شمسی |
| مذهب در اتحاد    |                    |                   |           |
| جماهير شوروی     | س. فرودت           | عباس باقری        | ۱۳۲۶ شمسی |

در این دهه جزوات کوچکی نیز درباره مسیحیت ترجمه شده است.

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در تاریخ و جغرافیا به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع                           | نویسنده              | مترجم                 | سال       |
|---------------------------------|----------------------|-----------------------|-----------|
| تاریخ سیاست                     |                      |                       |           |
| خارجی ایران                     | آلبر روزمز و لاپراول | کاظم صدر، جواد صدر    | ۱۳۲۲ شمسی |
| تاریخ ایران                     | سرپرسی سایکس         | سید محمد تقی فخر داعی | ۱۳۲۳ شمسی |
| تاریخ جنگ سیاسی                 |                      |                       |           |
| بین المللی                      | رمزی مبور            | احمد فرامرزی          | ۱۳۲۳ شمسی |
| از انگلستان دیدن کنیم رمزی مبور |                      | عبدالله توکل          | ۱۳۲۴ شمسی |
| تاریخ اروپا از انقلاب کبیر      |                      |                       |           |
| فرانسه ناپههور هیتلر            | هربرت فیشر           | وحید مازندرانی        | ۱۳۲۴ شمسی |
| تاریخ چین جدید                  | ژرژ دوباریه          | فتح الله ثقفی         | ۱۳۲۸ شمسی |
| تاریخ دیپلماسی                  | لونی روللو           | اردشیر نیکپور         | ۱۳۲۹ شمسی |

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه علوم اجتماعی به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع            | نویسنده          | مترجم           | سال       |
|------------------|------------------|-----------------|-----------|
| نامه های ایرانی  | متسکیو           | حسن ارسنجانی    | ۱۳۲۰ شمسی |
| مانیفست - بیانیه | کارل مارکس،      |                 |           |
| حزب کمونیست      | فردریک انگلس     | محمد عباسی      | ۱۳۲۱ شمسی |
| دستور رستگاری    | محمد مسعود «عرب» | قدرت الله مشیری | ۱۳۲۱ شمسی |
| کاپیتال          | کارل مارکس       | محمد عباسی      | ۱۳۲۳ شمسی |

| موضوع                 | نویسنده      | مترجم              | سال       |
|-----------------------|--------------|--------------------|-----------|
| فرمانفرمایی بریتانیای |              |                    |           |
| کبیر در هندوستان      | کارل مارکس   | رضا آذرخشی         | ۱۳۲۳ شمسی |
| قرارداد اجتماعی       | ژان ژاک روسو | غلامحسین زیرک‌زاده | ۱۳۲۴ شمسی |
| انقلاب و ضدانقلاب     | میشل سدیرس   |                    |           |
| و آلبرت پرن           | م. بابک      |                    | ۱۳۲۷ شمسی |
| بردگی زنان            | استوارت میل  | فتح‌الله والا      | ۱۳۲۷ شمسی |

در این دهه بیشترین کتابهایی که در زمینه علوم اجتماعی به زبان فارسی ترجمه شده راجع به مسائل مربوط به حزب کمونیست، انقلاب اکتر در روسیه شوروی و عقاید مارکس و انگلس بوده است.

در دهه چهارم ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹ جمعاً ۱۸۰۷ کتاب از زبان‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون به ترجمه رسیده که در جدول شماره ۴ تعداد کتابهای ترجمه شده و درصد آنها در دهه مورد بررسی نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۲

تعداد کتابهای ترجمه شده در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹ به تفکیک موضوع

| موضوع              | تعداد | درصد |
|--------------------|-------|------|
| جمع                | ۱۸۰۷  | ۱۰۰  |
| کلیات              | ۵     | ۰/۲۸ |
| فلسفه و روان‌شناسی | ۱۵۲   | ۸/۴۱ |
| ادیان              | ۱۴۱   | ۷/۸۰ |
| علوم اجتماعی       | ۱۵۹   | ۸/۸۰ |
| زبان‌شناسی         | ۱۰    | ۰/۵۵ |
| علوم خالص          | ۵۵    | ۳/۰۴ |
| علوم عملی          | ۵۸    | ۳/۲۱ |
| هنر                | ۲۹    | ۱/۶۰ |

| موضوع           | تعداد | درصد  |
|-----------------|-------|-------|
| ادبیات          | ۹۵۹   | ۵۳/۰۸ |
| تاریخ و جغرافیا | ۲۳۹   | ۱۳/۲۳ |

همان طور که در جدول شماره ۴ منعکس است کتابهای ترجمه شده در زمینه ادبیات با ۵۳/۰۸ درصد در صدر و پس از آن علوم اجتماعی با ۸/۸۰ درصد در مقام دوم و فلسفه و روان شناسی با ۸/۴۱ درصد در مقام سوم قرار دارد. در این دهه کتابهای علوم اجتماعی جانشین ادیان می شود و همچنین توجه به کتابهای فلسفی و روان شناسی نیز فزونی می گیرد و جانشین کتابهای مربوط به تاریخ و جغرافیا می شود.

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه ادبیات به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع                           | نویسنده                              | مترجم              | سال       |
|---------------------------------|--------------------------------------|--------------------|-----------|
| جنگ و صلح                       | تولستوی                              | ابن نورالله        | ۱۳۳۰ شمسی |
| دن آرام                         | میخائیل شولوخف                       | احمد صادق          | ۱۳۳۰ شمسی |
| در اعماق اجتماع                 | ماکسیم گورکی                         | عبدالحسین نوشین    | ۱۳۳۰ شمسی |
| پاشنه آهنین                     | جک لندن                              | م. صبحدم           | ۱۳۳۱ شمسی |
| دست های آلوده                   | ژان پل سارتر                         | جلال آل احمد       | ۱۳۳۱ شمسی |
| خرمگس                           | اتل لیلیان وینچ                      | داریوش همایون      | ۱۳۳۲ شمسی |
| قصیده عینیه                     | شیخ الرئیس ابوعلی سینا ضیاءالدین دری |                    | ۱۳۳۲ شمسی |
| آخرین روز یک محکوم و یکتور هوگو | محمّد سعیدی                          |                    | ۱۳۳۳ شمسی |
| چمنزارهای بهشت                  | جان اشتاین بک                        | پرویز داریوش       | ۱۳۳۴ شمسی |
| خاطرات خانه اموات               | داستایوسکی                           | مهرداد مهرین       | ۱۳۳۵ شمسی |
| سلام بر غم                      | فرانسواز ساگان                       | مهدی اسفندیاری     | ۱۳۳۵ شمسی |
| تاریکترین زندان                 | ایوان اولبراخت                       | محمد قاضی          | ۱۳۳۷ شمسی |
| دکتر زیواگو                     | بوریس پاسترناک                       | علی اصغر خبره زاده | ۱۳۳۸ شمسی |
| سرنوشت یک انسان                 | شولوخف                               | ض - فروشانی        | ۱۳۳۹ شمسی |

در این دهه بیشترین ترجمه‌ها از روی آثار جک لندن صورت می‌گیرد (۱۲ کتاب) و سپس ماکسیم گورکی (۱۰ کتاب) و در مرتبه سوم استفان زوایک و ویکتور هوگو (هر یک ۹ کتاب).

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه علوم اجتماعی به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع            | نویسنده          | مترجم            | سال       |
|------------------|------------------|------------------|-----------|
| چین که می‌جنگد   | سیمونوف          | نوذر             | ۱۳۳۰ شمسی |
| دمکراسی نوین     | مانوتسه تونگ     | م. بابک          | ۱۳۳۰ شمسی |
| راه‌های نوین     |                  |                  |           |
| سوسیالیسم        | میلوان جیلاس     | ناصر وثوقی       | ۱۳۳۰ شمسی |
| رام کردن قدرت    | برتراند راسل     | علیقلی بیانی     | ۱۳۳۱ شمسی |
| مقدمه تئوری کلی  | کلود دو پاگیه    | علی محمد         |           |
| و فلسفه حقوق     |                  | طباطبایی ذوالمجد | ۱۳۳۲ شمسی |
| دیپلماسی         | هارولد نیکن      | احمد توکلی       | ۱۳۳۵ شمسی |
| تاریخ فلسفه حقوق | ژرژ ول دکو       | جواد واحدی       | ۱۳۳۶ شمسی |
| زن در حقوق       | کریستیان بارتلمه | ناصرالدین        |           |
| ساسانی           |                  | شاه حسینی        | ۱۳۳۷ شمسی |
| راه‌های پیشرفت   | نورمن بوکانال،   |                  |           |
| اقتصادی          | هوارد الیس       | حسین فرهودی      | ۱۳۳۸ شمسی |

بخش مهم کتابهای ترجمه شده در زمینه علوم اجتماعی در این دهه کتابهایی است که به جانبداری یا انتقاد از مسائل ایدئولوژیکی پرداخته‌اند و این کتابها غالباً از طرف احزاب منتشر شده‌اند.

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه فلسفه و روان‌شناسی به ترتیب تاریخ انتشار

| موضوع            | نویسنده      | مترجم          | سال       |
|------------------|--------------|----------------|-----------|
| تفکرات تنهایی    | ژان ژاک روسو | محمود پورشالچی | ۱۳۳۱ شمسی |
| پسیکانالیز و عشق | آندره تریدن  | مهدی غروی      | ۱۳۳۱ شمسی |

| موضوع               | نویسنده                            | مترجم             | سال       |
|---------------------|------------------------------------|-------------------|-----------|
| اخلاق               | پیرژانه                            | بدرالدین کتابی    | ۱۳۳۱ شمسی |
| اگزستانسیالیسم      | فولکیه                             | ایرج پوریافر      | ۱۳۳۲ شمسی |
| رویا                | زیگموند فروید                      | سید محمد حجازی    | ۱۳۳۲ شمسی |
| روان‌شناسی برای همه | ادوارد استرکر،<br>کنت آپل، جون آپل | ربیع مشفق همدانی  | ۱۳۳۲ شمسی |
| مفهوم نسبیت انشتین  |                                    |                   |           |
| و نتایج فلسفی آن    | برتراند راسل                       | مرتضی طلوعی       | ۱۳۳۳ شمسی |
| جمهوریت             | افلاطون                            | رضا مشایخی        | ۱۳۳۴ شمسی |
| رساله درباره فهم    |                                    |                   |           |
| انسانی              | جان لاک                            | منوچهر بزرگمهر    | ۱۳۳۵ شمسی |
| تاریخ فلسفه         | ویل دورانت                         | عباس زریاب خوئی   | ۱۳۳۶ شمسی |
| متافیزیک یا         |                                    |                   |           |
| فلسفه اولی          | فلیسین شاله                        | عبدالحسین نیک گهر | ۱۳۳۸ شمسی |
| مسائل فلسفی         | برتراند راسل                       | احمد اردوبادی     | ۱۳۳۹ شمسی |

در این دهه به مناسبت هزاره ابوعلی سینا رسالات زیادی از شیخ الرئیس ابوعلی سینا توسط مترجمان مختلف به فارسی برگردانده شده است از جمله:

|                         |           |
|-------------------------|-----------|
| روان‌شناسی یا علم النفس | ۱۳۳۰ شمسی |
| اقسام علوم عقلیه        | ۱۳۳۲ شمسی |
| راهنمای حکمت            | ۱۳۳۲ شمسی |
| اشارات و تنبیهات        | ۱۳۳۲ شمسی |

پس از ابوعلی سینا در این دهه بیشترین ترجمه‌ها در زمینه فلسفه از آثار افلاطون صورت می‌گیرد که از جمله متن‌های ترجمه شده از افلاطون عبارتند از:

دانایی - شارمیدس  
فن سخنوری - گرگیاس  
محاكمة سقراط - آپولوژی

در دهه پنجم ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ جمعاً ۲۰۱۴ کتاب از زبان‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون به ترجمه رسیده که در جدول شماره ۵ تعداد کتابهای ترجمه شده و درصد آنها در دهه مورد بررسی نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۵

تعداد کتابهای ترجمه شده در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ به تفکیک موضوع

| موضوع              | تعداد | درصد  |
|--------------------|-------|-------|
| جمع                | ۲۰۱۴  | ۱۰۰   |
| کلیات              | ۱۸    | ۰/۸۹  |
| فلسفه و روان‌شناسی | ۹۵    | ۴/۷۲  |
| ادیان              | ۱۹۴   | ۹/۶۳  |
| علوم اجتماعی       | ۱۲۷   | ۶/۳۱  |
| زیان‌شناسی         | ۱۲    | ۰/۶۰  |
| علوم خالص          | ۱۰۲   | ۵/۰۶  |
| علوم عملی          | ۱۳۴   | ۶/۶۵  |
| هنر                | ۱۵    | ۰/۷۴  |
| ادبیات             | ۱۲۴۵  | ۶۱/۸۳ |
| تاریخ و جغرافیا    | ۷۲    | ۳/۵۷  |

همان‌طور که در جدول شماره ۵ منعکس است در دهه پنجم بیشترین ترجمه‌ها در زمینه ادبیات صورت گرفته با درصدی برابر ۶۱/۸۳ (بیشترین درصد در تمام پنج دهه مورد بررسی) و پس از آن ادیان با ۹/۶۳ درصد و علوم عملی با ۶/۶۵ درصد.

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه ادبیات

| موضوع             | نویسنده        | مترجم           |
|-------------------|----------------|-----------------|
| تصویر زنی         | رابرت ناتان    | شهناز شهنواز    |
| دور ماه           | ژول ورن        | اردشیر نیکپور   |
| شاهزاده خوشبخت    | اسکار وایلد    | حمید حقیقت      |
| رنج و سرمستی      | ایروینگ استون  | پرویز داریوش    |
| کوتاه تر از یک آه | فیلیپ آن       | نیر ضیاء        |
| دام گستر          | انوره دوبالزاک | رضا عقیلی       |
| گرگ بیابان        | هرمان هسه      | کیکاس جهاننداری |
| دوقلوهای عجیب     | مارک تواین     | احمد قاضی       |
| کالیگولا          | آلبر کامو      | ابوالحسن نجفی   |
| نامه ای از پکن    | پرل باک        | بهمن فرزانه     |
| قصه های بابام     | ارسکین کالدول  | احمد شاملو      |
| دایره گچی         | برتولت برشت    | حمید سمندریان   |
| دختر تنها         | ادنا اوبراین   | بهمن فرزانه     |
| افعی در مشت       | هروه بازن      | فرامرز برزگر    |
| نهنگ سفید         | هرمان ملویل    | محمد رضا جعفری  |
| دیوار             | ژان پل سارتر   | پرویز شکیبا     |
| کلبه عمو تم       | هریت بیچراستو  | محمد علی شیرازی |
| ماشین اندیشه نگار | آندره موروا    | منیژه کیافر     |

در این دهه نسبت به ادبیات کودکان توجه زیادی شد کتابهای بسیاری در این زمینه از نویسندگان سراسر دنیا برای کودکان به فارسی برگردانده شد.

نام برخی از کتابهای ترجمه شده برای کودکان

| موضوع                 | نویسنده       | مترجم         |
|-----------------------|---------------|---------------|
| شاهزاده و مرغ آتشین   |               | هما زاهدی     |
| افسانه های سرخ پوستان | هلن فوره سلتز | اردشیر نیکپور |

| موضوع                | نویسنده             | مترجم         |
|----------------------|---------------------|---------------|
| نیم و جبی            | اولین کینلد         | احسان         |
| گریه مهربان          | گرین هربرت وان      | کیوان         |
| گیس گلابتون و سه خرس | دوروتی ویلر         | احسان         |
| سیندرلا              | دیک برولا           | سپیده         |
| قصه‌های آندرسن       | هانس کریستین آندرسن | روحی ارباب    |
| فانوس فرسوده         | هانس کریستین آندرسن | اردشیر نیکپور |

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه ادیان

| موضوع                             | نویسنده                         | مترجم                                |
|-----------------------------------|---------------------------------|--------------------------------------|
| رهنمای گمراهان                    | محمد غزالی                      | مهدی فولادوند                        |
| ترجمه کلیات مفاتیح الجنان         | حاج شیخ عباس قمی                | حاج رسول هاشمی<br>رفسنجانی           |
| نقش اسلام در برابر غرب            | مارکوس مارگریٹ                  | مریم جمیله،<br>حاج سید غلامرضا سعیدی |
| حکومت اسلامی از نظر ابن خلدون     |                                 | داود رسایی                           |
| صحیفه سجادیه                      |                                 | مهدی الهی قمشه‌ای                    |
| عقاید و تعالیم شیعه               | محمد رضا مظفر                   | محمد مجتهدی<br>شبستری                |
| مقدمه‌ای بر دین سیک‌ها            | پ. م. ویلیام                    | سردار مکان شبکسین                    |
| دیانت زردشتی                      | پرفسور کای بار،<br>پرفسور ج. ب. |                                      |
| تفسیر اوستا و ترجمه گاتها         | اسمرسن، مری بوسین               | فریدون وهمن                          |
| فروغ بی پایان (داستان زندگی مسیح) | جیمس دارمستر                    | موسی جوان                            |
| دعای مسیحی                        | رابرت وایلدنر                   | ادوین بکر                            |
| محمد پیغمبری                      |                                 |                                      |
| که باید از نو شناخت               | کنستان ویرژیل گنورگیو           | ذبیح الله منصوری                     |

جدول شماره ۶

تعداد کتابهای ترجمه شده در پنج دهه مورد بررسی به تفکیک موضوع

| موضوع              | دهه اول |       | دهه دوم |       | دهه سوم |       | دهه چهارم |       | دهه پنجم |       |
|--------------------|---------|-------|---------|-------|---------|-------|-----------|-------|----------|-------|
|                    | تعداد   | درصد  | تعداد   | درصد  | تعداد   | درصد  | تعداد     | درصد  | تعداد    | درصد  |
| جمع                | ۲۳۸     | ۱۰۰   | ۳۷۵     | ۱۰۰   | ۹۴۹     | ۱۰۰   | ۱۸۰۷      | ۱۰۰   | ۲۰۱۴     | ۱۰۰   |
| کلیات              | —       | —     | ۲       | ۰/۵۳  | ۲       | ۰/۲۱  | ۵         | ۰/۲۸  | ۱۸       | ۰/۸۹  |
| فلسفه و روان‌شناسی | ۱۵      | ۶/۳۰  | ۵۰      | ۱۳/۳۳ | ۸۰      | ۸/۴۳  | ۱۵۲       | ۸/۴۱  | ۹۵       | ۴/۷۲  |
| ادبیات             | ۴۸      | ۲۰/۱۷ | ۷۶      | ۲۰/۲۷ | ۱۵۶     | ۱۶/۴۴ | ۱۴۱       | ۷/۸۰  | ۱۹۴      | ۹/۶۳  |
| علوم اجتماعی       | ۱۸      | ۷/۵۶  | ۳۴      | ۹/۰۸  | ۱۱۵     | ۱۲/۱۲ | ۱۵۹       | ۸/۸۰  | ۱۲۷      | ۶/۳۱  |
| زبان‌شناسی         | ۱       | ۰/۴۲  | ۲       | ۰/۵۳  | ۴       | ۰/۴۲  | ۱۰        | ۰/۵۵  | ۱۲       | ۰/۶   |
| علوم خالص          | ۵       | ۲/۱۰  | ۶       | ۱/۶۰  | ۱۸      | ۱/۹۰  | ۵۵        | ۳/۰۴  | ۱۰۲      | ۵/۰۶  |
| علوم عملی          | ۱۶      | ۶/۷۲  | ۲۹      | ۷/۷۳  | ۴۳      | ۴/۵۳  | ۵۸        | ۳/۲۱  | ۱۳۴      | ۶/۶۵  |
| هنر                | ۳       | ۱/۲۶  | ۲       | ۰/۵۳  | ۱۵      | ۱/۵۸  | ۲۹        | ۱/۶۰  | ۱۵       | ۰/۷۴  |
| ادبیات             | ۹۲      | ۳۸/۶۶ | ۱۱۴     | ۳۰/۴۰ | ۴۱۴     | ۴۳/۶۲ | ۹۵۹       | ۵۳/۰۸ | ۱۲۴۵     | ۶۱/۸۳ |
| تاریخ و جغرافیا    | ۴۰      | ۱۶/۸۱ | ۶۰      | ۱۶    | ۱۰۲     | ۱۰/۷۵ | ۲۳۹       | ۱۳/۲۳ | ۷۲       | ۳/۵۷  |

نام برخی از کتابهای ترجمه شده در زمینه علوم عملی

| موضوع                         | نویسنده             | مترجم        |
|-------------------------------|---------------------|--------------|
| کانال زغال سنگ                | گارین سیمون         | صادق سرابی   |
| آفرینندگی در زندگی کودکان     | مارگارت مید         | مینا بهنام   |
| تغذیه و بهداشت                | دویس آدل            | ناهدی فخرانی |
| معالجه با انگور، لیمو، پرتقال | پرفسور کاپو         | مهدی نراقی   |
| بررسی شیب در                  |                     |              |
| جاده‌های جنگلی                | پرفسور گلایزر       | ابراهیم عادل |
| فیزیولوژی پزشکی               | پرفسور آرتور گایتون | منوچهر سهای  |
| اسرار مغز آدمی                | ایزاک آسیموف        | محمود بهزاد  |

| موضوع          | نویسنده        | مترجم             |
|----------------|----------------|-------------------|
| سفر به فضا     | لوسیلا ساترلند | احمد ایرانی       |
| من در فرماندهی | جولیمز         | سرگرد محمد آبرملو |
| چه باید خورد و |                |                   |
| چگونه باید پخت | گیلورد هاووزر  | مهدی نراقی        |

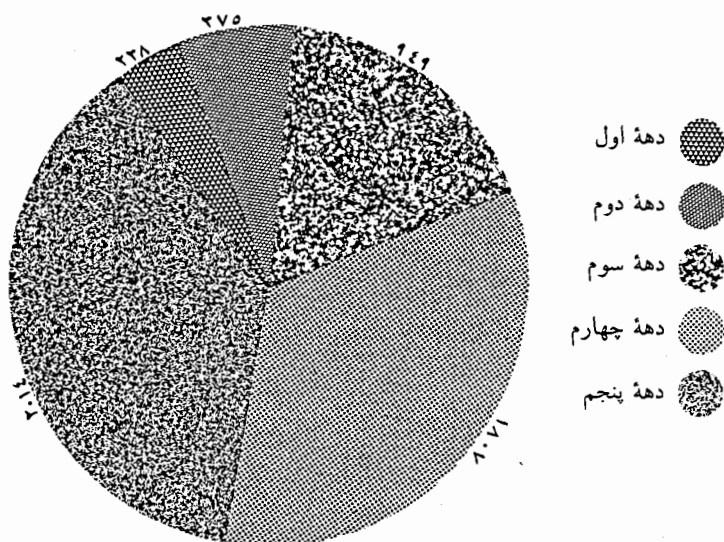
در جدول شماره ۶ تعداد کتابهای ترجمه شده در پنج دهه مورد بررسی و درصد آنها به تفکیک موضوع به دست داده می شود.

از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۹ جمعاً ۵۳۸۳ کتاب از زبان های مختلف در زمینه های کلیات، فلسفه و روان شناسی، ادیان، علوم اجتماعی، زبان شناسی، علوم خالص، علوم عملی، هنر، ادبیات و تاریخ و جغرافیا توسط مترجمان مختلف به فارسی برگردانده شده که کمترین تعداد در دهه اول ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹ (۲۳۸ کتاب) می باشد با درصدی برابر ۴/۴۲ و در دهه های بعد ترجمه کتاب مرتباً رونق بیشتری می گیرد و کتابهای بیشتری ترجمه می شوند تا دهه آخر (۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹) که جمعاً ۲۰۱۴ جلد کتاب در ایران به ترجمه رسیده منتشر می شود. تعداد کتابهای ترجمه شده در پنج دهه مورد بررسی و درصد آنها به ترتیب زیر بوده است.

|           |              |           |            |
|-----------|--------------|-----------|------------|
| دهه اول   | ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹ | کتاب ۲۳۸  | ۴/۴۲ درصد  |
| دهه دوم   | ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹ | کتاب ۳۷۵  | ۶/۹۷ درصد  |
| دهه سوم   | ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۹ | کتاب ۹۴۹  | ۱۷/۶۳ درصد |
| دهه چهارم | ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹ | کتاب ۱۸۰۷ | ۳۳/۵۷ درصد |
| دهه پنجم  | ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ | کتاب ۲۰۱۴ | ۳۷/۴۱ درصد |

البته باید توجه داشت که این بررسی براساس فهرستنامه های ایرج افشار، خان بابا مشار، کتابشناسی کتابخانه ملی ایران و فیش های موجود

در مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی شورای عالی فرهنگ و هنر انجام گرفته و چه بسا کتابهایی که در خارج از ایران به زبان فارسی برگردانده شده لکن در این فهرست‌ها از آنها نام برده نشده است و یا بنا بر علل مختلف سیاسی و مذهبی، نام بسیاری از آن کتابها به دست ما نرسیده است و لاجرم در این بررسی نیز نامی از آنها برده نشده. همان طور که در مقدمه گفته شد این بررسی کاملاً اجمالی است و فقط یک شمای کلی از کار ترجمه در ایران در پنج دهه گذشته به دست می‌دهد در حالی که مسلماً قبل از سال ۱۳۰۹ (از زمانی که مدرسه دارالفنون در ایران تأسیس شد) کتابهای بسیاری به زبان فارسی برگردانده شده لکن دستیابی به آنها برای انجام این بررسی ممکن نشد. امید آن است که بعداً این کار با دقت و وسواسی بیشتر به طور کامل و شایسته‌ای دنبال شود.



در جدول شماره ۷ تعداد کتابهای ترجمه شده به زبان فارسی در پنج سال اول دهه ششم (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴) و درصد آنها نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۷

تعداد کتابهای ترجمه شده از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ به تفکیک موضوع

| موضوع              | تعداد | درصد  |
|--------------------|-------|-------|
| جمع                | ۹۹۲   | ۱۰۰   |
| کلیات              | —     | —     |
| فلسفه و روان شناسی | ۴۵    | ۴/۵۴  |
| ادیان              | ۹۷    | ۹/۷۸  |
| علوم اجتماعی       | ۶۴    | ۶/۴۵  |
| زبان شناسی         | ۵     | ۰/۵۰  |
| علوم خالص          | ۵۰    | ۵/۰۴  |
| علوم عملی          | ۶۵    | ۶/۵۵  |
| هنر                | ۶     | ۰/۶۰  |
| ادبیات             | ۶۲۵   | ۶۳/۰۱ |
| تاریخ و جغرافیا    | ۳۵    | ۳/۵۳  |

در جدول شماره ۸ تعداد کتابهای ترجمه شده در رشته های مختلف از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۴ به تفکیک موضوع به دست داده می شود.

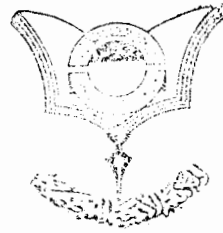
جدول شماره ۸

تعداد کتابهای ترجمه شده در رشته های مختلف از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۴ به تفکیک موضوع

| موضوع              | تعداد | درصد  |
|--------------------|-------|-------|
| جمع                | ۶۳۷۵  | ۱۰۰   |
| کلیات              | ۲۷    | ۰/۴۲  |
| فلسفه و روان شناسی | ۴۳۷   | ۶/۸۴  |
| ادیان              | ۷۱۲   | ۱۱/۱۶ |
| علوم اجتماعی       | ۵۱۷   | ۸/۱۰  |
| زبان شناسی         | ۳۴    | ۰/۵۴  |

ترجمه در نیم قرن اخیر ♦ ۱۰۳

| موضوع           | تعداد | درصد  |
|-----------------|-------|-------|
| علوم خالص       | ۲۳۶   | ۳/۷۰  |
| علوم عملی       | ۳۴۵   | ۵/۴۱  |
| هنر             | ۷۰    | ۱/۰۹  |
| ادبیات          | ۳۴۴۹  | ۵۴/۱۰ |
| تاریخ و جغرافیا | ۵۴۸   | ۸/۶۲  |



## از این مجموعه

### منتشر شده:

- فرهنگ شرق
- معنویت در هنر
- زبان‌شناسی
- زبان و جامعه‌شناسی

### منتشر می‌شود:

- سنت و فرهنگ
- خانواده، آموزش و فرهنگ
- مسائل و چشم‌اندازهای فرهنگی
- توسعه فرهنگی
- پیرامون ادبیات (۱ - شعر و ادبیات)
- پیرامون ادبیات (۲ - نقد و تحقیق)
- جستارهایی در موسیقی، سینما و تئاتر...